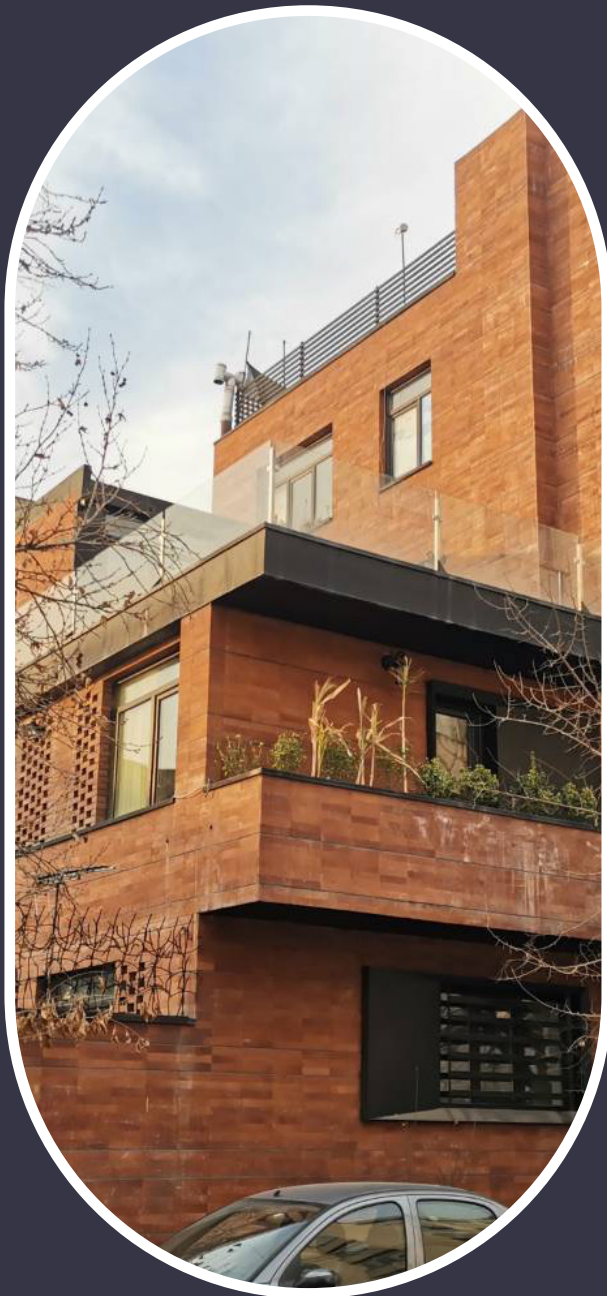




تنظیم‌گری اعتراضات ۱۴۰۱

اندیشکده حکمرانی شریف
شماره ثبت ۳۸۳۴۲

www.gptt.ir



اندیشکده حکمرانی شریف

فهرست

۰۱ | پیش‌گفتار

رویداد

۰۲ | تنظیم‌گری اعتراضات؛ از رویا تا واقعیت

۰۸ | تنظیم‌گری اعتراضات؛ از ایده تا اجرا

۱۴ | مساله‌شناسی اعتراضات ۱۴۰۱

۱۸ | چپ‌سختی و چرایی برخی ناهنجاری‌ها در تجمعات اخیر

در رسانه

۲۴ | دکتر سید محمدصادق امامیان: اصلاح حکمرانی نیازمند تغییر در سه مؤلفه «فهم»، «عزم» و «راه حل» است

۴۰ | دکتر سید محمدصادق امامیان: واگذاری موضوع حجاب به ۳۵ دستگاه فرهنگی و انتظامی يك اشتباه حکمرانی است

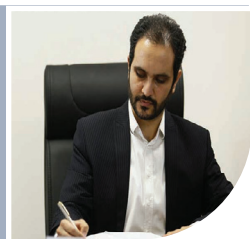
یادداشت

۴۴ | علی سعد: تاملی بر هیجان‌های خشونت‌آمیز و اعتراض‌های اخیر

۵۰ | دکتر سید محمدصادق امامیان: الزامات حکمرانی بحران‌های اجتماعی

نشریه

۵۸ | شماره ۱۱ نشریه تنظیم‌گفتار



علی سعد
مدیر اندیشکده حکمرانی شریف

پیش‌گفتار

اندیشکده حکمرانی شریف به عنوان یکی از قدیمی ترین مراکز پژوهشی کشور که در حوزه حکمرانی فعالیت می‌کند، تلاش داشته متناسب با اتفاقات و چالش‌های مستحدثه در حکمرانی کشور واکنش نشان دهد و راه حل عبور از مشکلات را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دهد.

در وقایع تلخ اعتراضات و اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ با پدیده جدیدی روبرو بودیم. از یک سو ظرفیت‌های مصرح قانونی کشور برای تنظیم گری اعتراضات در سال‌های اخیر مغفول مانده بود که سبب انباشت اعتراضات و مطالبات شده بود از سوی دیگر با پرچم داری دشمنان کشور، جنگ رسانه‌ای بی سابقه‌ای علیه کشور شکل گرفته بود که شاید شیوه‌های به کارگیری و تهییج معترضین در این سطح بی سابقه باشد.

لذا اندیشکده حکمرانی شریف با وجود اینکه به طور خاص در حوزه اعتراضات پیشینه پژوهشی طولی نداشت با گرفتن آرایش جدید گروه‌ها، تلاش کرد ضمن توصیف دقیق واقعه و آسیب‌شناسی وضعیت موجود، راهکارهایی برای عبور از این بحران و جلوگیری از وقایع مشابه در آینده به تصمیم‌گیران کشور ارائه کند.

کتابچه حاضر شرحی از اقدامات اندیشکده حکمرانی شریف در این مقطع است و امید است که با تدبیر و فهم واقع‌گرایانه، به حل چالش‌های حکمرانی کشور در این حوزه کمک کند.



۱

تنظیم‌گری اعتراضات؛ از رویا تا واقعیت





هنر زمامداری این است که مانع از امنیتی شدن موضوعات شود

شهرهای بزرگ و کوچک ایران در دو ماه گذشته صحنه تجمع‌های اعتراضی‌ای بوده است که بعضاً به خشونت انجامیده‌اند. این اتفاقات به مانند همیشه پرسش از چگونگی برگزاری تجمعات اعتراضی قانونی و مسالمت‌آمیز را به پیش کشیده‌اند. اصل ۲۷ قانون اساسی، مشروعیت بخش تجمع‌های اعتراضی در ایران است. اما قواعد قانونی و تنظیمی روشنی برای اجرایی‌سازی این اصل، به‌ویژه در شرایط بحران‌های امنیتی و سیاسی، وجود ندارد. لذا به منظور بررسی عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران در برخورد با اصل ۲۷ قانون اساسی و چالش‌های اجرایی شدن آن، نشست با عنوان «تنظیم‌گری اعتراضات: از رویا تا واقعیت»، با حضور علی قشقایی مدیرکل دفتر امور امنیتی و انتظامی استانداری تهران، احمد علیرضا بیگی نماینده مجلس شورای اسلامی و محمدرضا شمس‌ا کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، در دوم آذرماه ۱۴۰۱، در اندیشکده حکمرانی شریف، به همت باشگاه تنظیم‌گری ایران برگزار گردید.

هنر زمامداری این است که مانع امنیتی شدن موضوعات شود

احمد علیرضاییگی نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی در تبیین اصل ۲۷ قانون اساسی بیان کرد: موضوع اعتراض یا ابراز وجود و یا حق خواهی، همه در چارچوب موضوعات سیاسی تعریف نمی‌شود و اگر ما به آمار مراجعه کنیم بخش عمده‌ای از تجمعات و اعتراضات، اعتراضات صنفی محلی منطقه‌ای بوده اما متأسفانه با این نگرش که هر اعتراض یا مطالبه‌ای با مصالح و مفاهیم انقلاب اسلامی در تعارض است سعی کردیم با تجمعات و اعتراضات مواجه شویم و برخورد کنیم و همین نگرش سبب شده که خیلی زود مطالبات وجه سیاسی پیدا کند و گاهی دستاویزی برای دشمنان انقلاب شود.

در اکثر کشورها، فضای کار نظام و حاکمیت، از فضای کار دولت تفکیک شده است

اصل عدم وجود جریان تحزب را یکی از دلایل دانست و افزود: هرچند احزاب زیادی در وزرات کشور ثبت شده اند اما آنها احزاب ریشه داری محسوب نمیشوند. نتیجه نبود تحزب، پراکنده کاری در موضوعات اداره کشور، عدم تصویب قوانین به نفع مردم و عدم پاسخگویی افراد بعد از پایان مهلت خدمت شان خواهد بود.

وی افزود: حزب به حرکات جمعی و هر تجمعی، شناسنامه میدهد و امکان مطرح شدن مطالبات در یک چهارچوب مشخص را فراهم میکند و حاکمیت هم وزن و اندازه این مطالبه را متناسب با حزبی که متولی این مطالبه هست میفهمد. پس لازم است که ما جریانات سیاسی شناسنامه دار کشور را در قالب احزاب تعریف کنیم.

■ در مجلس طرحی برای اصلاح فرآیند برگزاری تجمعات قانونی در حال پیگیری است

این نماینده مجلس در پاسخ به اینکه چه سازوکاری را برای اجرای این اصل مناسب میدانند به طرحی که در مجلس شورای اسلامی در حال تدوین است اشاره کرد و گفت: ما در این قانونی که در حال تهیه شدن هست و چهارچوب‌های اصلی آن آماده شده است، اصل بر اطلاع محور بودن است.

■ نگرش به موضوع امنیت باید از رویکرد سلبی به مصونیت سازی تبدیل شود

این نماینده مجلس با بیان اینکه اگر تکیه ما بر اصالت حقوق مردم برای ابراز وجود کردن است، پس سازوکار هایی باید برای تجمعات پیش بینی شود اضافه کرد: نگرش ما به موضوع امنیت، باید از نگرش سلبی به نگرش مصونیت سازی و واکسینه کردن برای تامین امنیت جامعه تبدیل شود؛ والا این مطالبات انباشته خواهد شد و با هر کبریتی شعله ور می شود و برای جامعه مشکلاتی را فراهم میکند و به گونه ای خواهد شد که مرز بین اغتشاش و اعتراض مشخص نخواهد شد. همچنین سازوکارهای لازم برای این تجمعات و اعتراضات نیز پیش بینی نشده است. به طور مثال دستگاه قضایی در مورد کسانی که در اجتماعات حضور پیدا کردند تماما به عنوان جرمی «اقدام علیه امنیت ملی» استناد میکند و بعد هم نظارت دستگاه قضایی، یک نظارت پسینی است. او ادامه داد: ما در زبان میگوییم که حاکمیت از آن مردم است و مردم باید سهم داشته باشند ولی در همین حاکمیت کسانی هستند که معتقدند مردم بیایند یا نیایند مهم نیست و ما انتخابات را برگزار می‌کنیم و این نگرش باید تغییر پیدا کند.

■ حزب امکان مطرح شدن مطالبات در یک چهارچوب مشخص را فراهم می‌کند

احمد علیرضاییگی در جواب چالش های اعدم اجرایی شدن این

در اکثر کشورها، فضای کار نظام و حاکمیت، از فضای کار دولت تفکیک شده است

علی قشقایی مدیرکل دفتر امور امنیتی و انتظامی استانداری تهران سخنران بعدی نشست بود که در بیان مواجهه حاکمیت با اصل ۲۷ قانون اساسی و ارزیابیاش از اجرایی شدن این اصل گفت: واقعیت این است که ما در بحث جمهوری اسلامی و مبانی آن، نقش مردم را یک نقش پررنگ و واقعی می‌بینیم. در نگاه رهبری و امام نیز مردم پایه مقبولیت و مشروعیت نظام هستند به گونه‌ای که حضور و در وسط میدان بودن مردم موضوعیت پیدا می‌کند. اما مسئله اینست که چرا این اصل در طول این ۴۳ سال به درستی محقق نشده و تبلور پیدا نکرده؟ یک دلیل شاید این باشد که ساز و کارهای اجرایی این اصل متناسب با ساختار و فرهنگ جمهوری اسلامی طراحی نشده است.

وی درباره مدل مواجهه با اعتراضات در سایر کشورها بیان کرد: در ساختارهای سیاسی عمده کشورها، غیر از کشورهای کمونیستی و کشورهای دیکتاتوری سلطنتی؛ فضای کار نظام از دولت کاملاً جدا وی ادامه داد: البته ما نمی‌توانیم بحث تجمعات در جمهوری اسلامی را با تجمعات نظام لیبرال دموکراسی مقایسه کنیم. ما برای اجرایی شدن این اصل یک روش بومی و خاص جمهوری اسلامی طراحی نکردیم.

قشقایی در ادامه و به عنوان دومین چالش عدم اجرایی شدن این اصل و به حاشیه رفتن تجمعات و اعتراضات مردمی افزود: ما در دهه ۶۰ چند مولفه داریم در رفتار حاکمین و رسانه‌ها و مردم شکل می‌گیرد. وقتی ما چهارچوب قانون اساسی را قرار می‌دهیم تبیین نمیشود که ما در کشور باید بر اساس آن عمل کنیم. احزاب مختلف بر اساس منفعت گفتند فلان اصل باید بزرگ یا کوچک شود و حتی در زمانی لایحه دادند که دو اصل قانون اساسی تغییر داده شود.

در دهه ۶۰ سخنان مردم معترض در تلویزیون پخش می‌شد

او با اشاره به نقش پررنگ رسانه‌ها در سامان‌دهی به اعتراضات و مطالبات مردمی گفت: نکته دیگر اینکه رسانه‌های ما در دهه ۶۰ کاملاً باز عمل میکردند و فضای باز گفتمانی را رقم می‌زدند. یعنی مردمی که میخواستند بیایند در کف خیابان و اعتراض کنند میدیدند که نماینده آنها در تلویزیون دارد حرف می‌زند و مردم ضرورت این را که در کف خیابان حضور پیدا کنند نمیدیدند. چیزی که رهبری در طول این سی سال خیلی به آن اشاره کردند جریان کرسی آزاداندیشی بود که روش ابزاری برای حرف زدن مردم در یک قالب منطقی بود و متأسفانه انجام نشد.

قشقایی علت حاکمیتی شدن و به حاشیه رفتن تجمعات صنفی را عدم طراحی سازوکار قانونی و عدم پاسخگویی دقیق به این مطالبات دانست و گفت: ما در طول یک سال و نیم اخیر در استان تهران در دولت جدید تجمعات اقتصادپایه در موضوعات مختلف و فراوانی داشتیم. حاکمیت نسبت به این تجمعات صنفی، علیرغم اینکه غیرقانونی بود ولی اجازه می‌داد که مردم جمع شوند و حرفشان را بزنند. اما مسئله این بود که پاسخگویی به این تجمع صنفی به معنای اقناع مردم اتفاق نیفتاد.

در دهه ۶۰
سخنان مردم معترض
در تلویزیون
پخش می‌شد

■ در یک سال و نیم گذشته هیچ مجموعه صنفی و حزبی درخواست رسمی مجوز تجمع نداده است!

علی قشقایی ادامه داد: در طول این سالها بحث عدم صدور مجوز نبوده بلکه عدم درخواست مجوز بوده است. یعنی در طول یک سال و نیم اخیر تمام تجمعات صنفی که در تهران اتفاق افتاده، هیچ مجموعه صنفی و حزبی حاضر نشده است درخواست صدور مجوز بدهد حتی برای کار صنفی. دلیل این اتفاق هم این است که حزبی که درخواست مجوز میکند باید تبعات برگزاری را بپذیرد. مثلاً امنیت برگزاری را قبول کند و انتظامات قرار دهد و برنامه ریزی کند.

او در پاسخ به این سوال که چه سازوکاری را برای اجرایی شدن اصل ۲۷ مناسب میدانند گفت: اولین سازوکار این است که دستورالعمل اجرایی اصل ۲۷ تغییر نکند. حزب نماینده مردم نیست و مردم هم آنها را نماینده خود نمی دانند و دستورالعمل اجرایی هم صدور مجوز را به درخواست حزب منوط کرده است. ما باید یک آیین نامه اجرایی داشته باشیم که بخشی از مردم هم بتوانند درخواست صدور مجوز بدهند. این هم دو نکته دارد؛ یکی درباره اصل مجوز که دوستان میگویند آن را حذف کنیم. با وجود برگزاری تجمعات زیاد روزانه در تهران توسط اقشار مختلف و چالش شدید ترافیکی در شهر، صدور مجوز ضروری است که نظم ترافیکی شهر به هم نخورد.

وی ادامه داد: دولت قبل سه مکان را برای اعتراض مردم پیش بینی کرده بود که مشکلات اجرایی و ترافیکی را نداشته باشد. اما مسئله این است که بسیاری از اعتراضات، میخواهد مقابل ساختمان و محلی خاص برگزار شوند و مشخص کردن آن سه نقطه چندان کارکرد مثبتی ندارد و مردم استقبال نمی کنند. نکته بعد هم اجازه دادن برگزاری تجمعات مذهبی و نزدیک به حاکمیت در هر مکانی در شهر است. این رفتار موجب دوگانه سازی شده است.



■ سخت گیرانه ترین رویکرد را برای برگزاری تجمعات قانونی داریم

محمدرضا شمس‌ا کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس نیز در تفسیر خود درباره اصل ۲۷ قانون اساسی گفت: این اصل به یک مفهومی اجرایی شده و به یک مفهومی اجرایی نشده است. این اصل به واسطه اینکه بین دو حق مطالبات مردم و امنیت جامعه قرار گرفته حتما باید سازوکارهایی برای اجرای آن طراحی شود. البته این سازوکار و آیین نامه‌های نوشته شده به واسطه نگاه مجوز محورانه اش، بیش از اینکه بستری برای اجرایی شدن اصل بوده باشد مانع اجرا بوده است. در واقع سیاست اعلامی همین سیاست مجوز محورانه بوده است ولی در عمل ممنوعیت بوده و اجازه برگزاری هیچ تجمعی داده نشده است.

وی از عدم باور به این اصل به عنوان یک حق اصیل برای مردم به عنوان مانعی برای اجرا شدن این اصل گفت و ادامه داد: ما به لحاظ سیاسی نیز کارکردهای این اصل را متوجه نشدیم و به عنوان یک امر تفننی به آن نگاه کردیم. در دنیا، قوانین مربوط به تجمعات به چندگونه است. در آمریکا اجتماعات و راهپیمایی‌ها آزاد است و دولت‌ها حق هیچگونه قانونگذاری ندارند. نوع دیگری از قانون گذاری همین اصل ۲۷ قانون اساسی ماست که میگوید برگزاری تجمعات آزاد است مگر اینکه مخل مبانی اسلام و حمل اسلحه باشد و این مدل بیان میکند که نیاز به قانونگذاری و طراحی آیین نامه‌های اجرایی هست. اما همین که هیچ قانونی برای اجرایی شدن اصل نوشته نمیشود موید همین است که به این اصل باوری نبوده است.

شمس‌افزود: در دنیا سه رویکرد وجود دارد؛ رویکرد مجوز محورانه، رویکرد اطلاع محور و رویکرد نظارت پسینی. سخت گیرانه ترین حالت همین رویکرد مجوز محور است اما در جمهوری اسلامی عملا ممنوعیت رخ داده و مجوزی صادر نشده است. صدور مجوز جزو صلاحیت‌های کمیسیون ماده ده است. این کمیسیون در قبال دو اصل ۲۶ و ۲۷ دو رفتار متفاوت دارد. در اصل ۲۶، مجوزهای زیادی برای تشکیل احزاب صادر میکند ولی در اصل ۲۷، مجوزی صادر نمیشود.

■ محدود کردن تجمعات با استناد به اصل ۲۷ قانون اساسی، ظلم به اسلام است

او با اشاره به اینکه ما در دین مبین اسلام ارجاعات و مفاهیم بسیار زیادی در تایید و تاکید بر حق مردم برای اعتراض به حاکمیت داریم گفت: ما هر بار میخواهیم درباره تجمعات صحبت کنیم به اصل ۲۷ رجوع میکنیم درحالیکه این ظلم به اسلام است. ما وقتی به آیات و روایات نگاه میکنیم مفهوم امر معروف و نهی از منکر یکی از متریکی ترین مفاهیم است و بیان کننده این است که فرد میتواند در برابر حاکمین بایستد و انتقاد کند.

■ برگزاری اعتراضات در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی نشانه مردم سالاری است

محمدرضا شمس‌ا اظهار کرد: در مورد اعتراضات اخیر اینگونه بیان می شود که چون حرف ما نسبت به بخش خاصی از برنامه های حاکمیت شنیده نمیشود پس اعتراضات و مطالبات را به سمت اصل نظام میبریم تا این حرف ما شنیده شود. اما باید بدانیم که برگزاری اجتماعات و اعتراضات در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی اتفاقا نشانه مردم سالاری و دموکراسی است.

برگزاری اعتراضات در
چهارچوب نظام جمهوری
اسلامی نشانه مردم سالاری
است



٢

تنظيم گري اعتراضات؛ ازايده تا اجرا





برای برگزاری یک راهپیمایی اعتراضی مسالمت آمیز با خلأ قانونی مواجه هستیم

به منظور بررسی عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران در برخورد با اصل ۲۷ قانون اساسی که براساس آن، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها به رسمیت شناخته شده، نشستی با عنوان «تنظیم‌گری اعتراضات: از ایده تا اجرا»، با حضور آقایان محمود عباس‌زاده مشکینی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس و مدیرکل سیاسی اسبق وزارت کشور و سیدمحمدهادی راجی، قائم‌مقام معاونت حقوقی ریاست جمهوری و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)، در اندیشکده حکمرانی شریف و به همت باشگاه تنظیم‌گری ایران برگزار شد.

■ برای برگزاری یک راهپیمایی اعتراضی مسالمت آمیز با خلأ قانونی مواجه هستیم

محمود عباس‌زاده نماینده مردم مشگین‌شهر در مجلس شورای اسلامی در تبیین مدل‌های اجرایی سازی اصل ۲۷ قانون اساسی در ادوار مختلف بیان کرد: آیین‌نامه ابتدایی نوشته شده در مورد این اصل، با توجه به اینکه در فضای اوایل انقلاب و با توجه به ترورها، توطئه‌ها و درگیری‌های داخلی و همچنین با وجود رویه رادیکال افراد حاضر در دولت آن زمان نوشته شد، شرایط بسیار زیادی را برای برگزاری یک راهپیمایی اعتراضی مشخص نموده؛ به نحوی که

اعتراضات از اغتشاشات جدا هستند ولی راهی برای اعتراض قانونی ایجاد نمی کنیم.

این شرایط به سختی قابلیت تحقق را دارد. در مواردی نیز شاهد این هستیم که این آیین نامه خلاف قانون اساسی بوده و آزادی های زیادی را محدود می کند.

وی ادامه داد: ما از آن سال ها، دنبال تغییر قانون احزاب و تغییر این آیین نامه اجرایی بودیم. در دولت آقای روحانی پیش نویسی در مجلس تصویب شد و یکسال بعد از آن، یک آیین نامه اجرایی برای آن نوشته شد که کار را به مراتب سخت تر می کرد. یک ماه بعد مصوبه دیگری را دولت ابلاغ کرد که مکان هایی را در شهرهای مختلف برای اعتراضات مشخص کرد که آن هم با رای دیوان عدالت اداری، ابطال شد.

■ معتقدیم که اعتراضات از اغتشاشات جدا هستند ولی راهی برای اعتراض قانونی ایجاد نمی کنیم

این نماینده مجلس اظهار داشت: در کشور ما، در رابطه با تجمعاتی که بنا داشته انتقادی به سیاست های حاکم اعلام و در واقع تکلیفی را برای دولت و حاکمیت ایجاد کند، بر خلاف تجمعاتی که در حمایت از نظام یا متعلق به یک طیف فکری خاص بوده، دچار تنگ نظری شدیم و محدودیت هایی ایجاد کردیم و متأسفانه این امر به یک رویه تبدیل شده است. حتی دولت اصلاحات هم که با شعار گفتگو و آزادی احزاب سر کار آمد، کاری برای مدون کردن و ساماندهی به این قانون ها انجام نداد.



یکی از مصادیق بارز امر به معروف و نهی از منکر نسبت به دولت، برگزاری راهپیمایی است



معاونت حقوقی ریاست جمهوری پیش نویس قانون برگزاری
اعتراضات مسالمت آمیز را آماده می کند

عباس زاده مشکینی افزود: شاید بشود با استفاده از فراغ‌های قانونی، این مجوزها را به رسمیت شناخت اما سؤال اینجاست که اگر در این تجمعات اتفاقی افتاد، مسئول آن کیست؟ مسئول امنیتی شهر نیز به دلیل احتمال پیش آمدن مشکلات، سراغ آن فراغ‌های قانونی نمی‌رود و منتظر می‌ماند که قانون مشخص شود.

مدیر سیاسی اسبق وزارت کشور و دبیر اسبق کمیسیون ماده ۱۰ احزاب بیان کرد: در این اعتراضات اخیر با وجود بیان اهمیت جدا شدن خط اعتراض از اغتشاش، اما همچنان شاهدیم که قانون مشخصی برای بیان اعتراضات وجود ندارد؛ مجلس و دولت و همه در این غفلت مقصر هستیم و باید این تعلل را جبران کنیم. بهترین پاسخ برای امیدوار ساختن مردم در این شرایط، درک گلایه‌های مردم و اقدام برای تسکین و درمان این گلایه هاست و طراحی این قانون اعتراضات یکی از این اقدامات است.

یکی از مصادیق بارز امر به معروف و نهی از منکر نسبت به دولت، برگزاری راهپیمایی است

سید محمد هادی راجی، قائم مقام معاونت حقوقی ریاست جمهوری که سخنان دیگر این نشست بود ضمن تایید وجود خلاءهای قانونی بیان کرد: ما برای برگزاری تجمعات، قانون تفسیری که شرایط برگزاری را به تفصیل بیان کند، نداریم و از این جهت این خلاء قانونی کاملاً درست و به جاست.

وی ادامه داد: اصل هشت قانون اساسی بیان می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر یک تکلیف همگانی است و برای آن سه حوزه را ذکر می‌کند که شامل مردم نسبت به مردم، مردم نسبت به دولت و دولت نسبت به مردم است. به نظر یکی از مصادیق بارز این اصل، برگزاری تجمعات و راهپیمایی هاست. حکومت ما، با توجه به این اصل قانونی و همچنین تأکیدات زیاد دینی بر اهمیت این بحث، باید پیگیر قانون مناسب برای تجمعات باشند و حتی اگر فرض کنیم که قانونی هم نیست، این اصل را به رسمیت بشناسیم و به آن ملتزم باشیم.

■ معاونت حقوقی ریاست جمهوری پیش نویس قانون برگزاری اعتراضات مسالمت آمیز را آماده می کند

وی درباره فرآیندهایی که برای تدوین قانون مربوط به اصل ۲۷ انجام شده بیان کرد: با اینکه مسئولیت اجرایی قانون اعتراضات با وزارت کشور است اما به سبب وجود ابعاد حقوقی این قانون، از هشت ماه پیش در معاونت حقوقی ریاست جمهوری مطالعاتی شروع شده که پیش‌نویسی برای این قانون نوشته شود. اقدامات مختلفی انجام شده و حتی فراخوان ایده با همکاری پژوهشگاه شورای نگهبان زده شده تا ایده‌های مختلف بیان شود و قانون به نحو درست و کاملی نوشته شود. برای اینکه در مورد اصل ۲۷ متن قانونی داشته باشیم باید به ابعاد مختلف توجه کنیم.

راجی ادامه داد: بُعد اول، به رسمیت شناختن حق این اعتراضات و برگزاری تجمعات است اما چارچوب‌های قانونی برای این حق وجود دارد. چهارچوب‌های این قانون که در خود قانون اساسی به آن‌ها اشاره شده به دو دسته تقسیم می‌شود که یکی ناظر به اصل برگزاری تجمعات است و اشاره می‌کند که هر تجمع چه ضوابطی باید داشته باشد. در مورد این ضوابط نباید فقط به اصل ۲۷ مراجعه کنیم بلکه سایر اصول موجود در قانون اساسی نیز باید مورد توجه قرار بگیرند. به طور مثال در اصول ۴ و ۹ و ۱۷۷ ضوابطی ذکر می‌شود که باید در قانون‌نویسی لحاظ شود.

قائم مقام معاونت حقوقی ریاست جمهوری افزود: دسته دیگر هم چارچوب‌های مرتبط با نحوه برگزاری است که یکی در خود اصل ۲۷ (حمل سلاح) هست و دیگری اصل ۴۰ قانون اساسی است که به افراد اجازه نمی‌دهد اعمال حق خویش را وسیله اضرار به حق غیر یا تجاوز به اموال عمومی قرار دهد.

**بعضی تجمعات
صرفاً کافی
است اطلاع
داده شوند و
برخی نیاز به
صدور مجوز
دارند**

بعضی تجمعات صرفاً کافی است اطلاع داده شوند و برخی نیاز به صدور مجوز دارند

سیدمحمد مهدی راجی در مورد فرایندی که در معاونت حقوقی در حال رقم خورد است اظهار داشت: چیزی که در معاونت حقوقی مدنظر ما هست یک تقسیم‌بندی در مورد تجمعات هست. به این گونه که تجمعاتی که زیر یک تعداد خاص افراد هستند و موضوع آن‌ها مغایرتی با اصول قانون اساسی ندارد صرف اطلاع دادن آن تجمع که آن هم به جهت تأمین امنیت نیروی انتظامی و سایر شرایط اجرایی است، کافی باشد و نیاز به مجوز نداشته باشد. مکان‌هایی نیز برای این تجمعات باید متناسب با جمعیت شهرها و با لحاظ شرایط امنیتی و عمومی جامعه پیش‌بینی شود.

وی در پایان با اشاره به پیش نویس قانون برگزاری تجمعات اعتراضی مسالمت آمیز ادامه داد: اگر پس از اطلاع دادن، نهادهای مسئول به تشخیص برسند که این تجمع، نیت و غرض دیگری دارد می‌تواند با استدلال‌های متقن، مانع برگزاری شوند. در مورد تجمعات دیگر که این ویژگی‌ها را ندارند، پیش‌بینی ما این است که سامانه‌ای طراحی شود و افراد اطلاعات تجمع مورد نظر را اعلام کنند و مرجع مشخصی آن را در یک مدت زمان مشخص بررسی کند. البته ویژگی‌هایی که باید بر اساس آن‌ها هر تجمع بررسی شود باید در قانون به روشنی بیان شود. اگر اعلام نظری رخ نداد به منزله صدور مجوز است ولی اگر مخالفتی وجود دارد، دلیل مخالفت به روشنی اعلام شود. بعضی از این مخالفت‌ها ناظر به محتوا و بعضی ناظر به شکل اجرایی تجمع‌ها خواهد بود. برخی از تجمعات نیز شامل این قوانین نمی‌شوند و مطابق با قوانین داخلی آن مراکز اداره می‌شوند. مانند تجمعاتی که در دانشگاه‌ها برگزار می‌شود که منطبق با قوانین داخلی خود دانشگاه می‌باشد.



مساله شناسی اعتراضات ۱۴۰۱





به گزارش روابط عمومی اندیشکده حکمرانی شریف، اولین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی مساله شناسی اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ با موضوع «مساله دانشگاه در نسبت جامعه و سیاست» با حضور اساتید دانشگاه و نخبگان به همت اندیشکده حکمرانی شریف و خانه اندیشه ورزان برگزار شد.

دکتر سید محمدصادق امامیان عضو هیات علمی دانشگاه امیرکبیر در خصوص اهداف شکل‌گیری این نشست گفت: عدم ورود نهادهای اندیشکده‌ای و دانشگاهی در خصوص اتفاقات اخیر غیرقابل توجیه است و ادامه داد مشکل اساسی در هنگام بروز مسایل امنیتی، سیاسی، اجتماعی نداشتن نهادهای سیاست پژوهی و تولید کننده تحلیل‌های سیاستی در این حوزه‌ها است. وی با بیان اینکه اتفاقات اخیر سبب طرح سؤالاتی جدی در خصوص کارکرد دانشگاه شد، اظهار داشت: اندیشمندان پس از این وقایع می‌پرسند آیا آنچه در این اتفاقات دیده شد نتیجه طبیعی کارکرد دانشگاه است یا یک اتفاق غیر قابل محاسبه و علی‌حده‌ای بوده است. لذا در این نشست تلاش می‌کنیم به پاسخ این سؤالات بپردازیم.

■ کارکرد دانشگاه تربیت کارمند برای بروکراسی مدرن است

یاسر خوشنویس، پژوهشگر حوزه علم و فناوری به شکل‌گیری دانشگاه مدرن اشاره کرد و گفت: دانشگاه مدرن حاصل یک نوع فکر کردن به معرفت و بروز و ظهور آن است. وی ادامه داد: در دوران پهلوی برای حرکت به سمت مدرنیته دانشگاه به ایران آورده شد اما پذیرش و شکل‌گیری سوژه در ایران اتفاق نیفتاد. از ابتدا دانشگاه برای جای دیگری بوده و در ایران با یک مدل و ساز و کار جدید که به مرجعیت اهمیت می‌دهد و شیوه کنش آن سلسله مراتبی است، شناخته شد. این پژوهشگر حوزه علم و فناوری کارکرد دانشگاه را تربیت کارمند برای بروکراسی مدرن دانست و گفت: در جمهوری اسلامی این کارکرد به سمت دانش‌پروری رفته است.

■ دستگاه رسمی کشور دانشگاه را تهدید می‌داند

محمدحسین بادامچی عضو هیات علمی موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری با بیان اینکه رابطه سیاست دینی و عقل و علم پروبلماتیک است گفت: علوم انسانی باید در سیاست‌گذاری مشارکت کند ولی در ایران چنین نیست.

**علوم انسانی
باید در سیاست‌گذاری
مشارکت کند ولی در ایران
چنین نیست**





**دانشگاه در نظام دانش قدرت جمهوری اسلامی
جای تعریف شده ای ندارد
و در این صورت روز به روز جایگاهش
به تعبیر حاشیه ای
و غیر رسمی می رود**

او ادامه داد: نظام جمهوری اسلامی ایران نه تنها دانشگاه را به رسمیت نمی‌شناسد بلکه آن را تهدید می‌داند و به آن بی‌اعتماد است. در نظام دانش قدرت جمهوری اسلامی جای تعریف شده ای ندارد و در این صورت روزبه‌روز جایگاهش به تعابیر حاشیه ای و غیر رسمی می‌رود. بادامچی اضافه کرد: در طی ۴ دهه اخیر دانشگاه در طرح سیاسی نظام جمهوری اسلامی بلاموضوع است. در چارچوب کلی گفتمان دینی مسئله عقلانیت علمی رفع و رجوع نشده و عملاً مسئله علم و عقلانیت علمی و هر نوع گفتارهایی که برآمده از منطق علمی باشد را نمی‌تواند بپذیرد و آن را غرب زدگی و گفتارهای ناخالص و اضافی صورت بندی می‌کند و سیستم امنیتی فعال می‌شود.

■ دانشگاه بستر تغییرات اجتماعی را ایجاد می‌کند

مرتضی زمانی‌ان عضو هیات علمی دانشگاه امیرکبیر کارکرد اجتماعی را کارکرد اصیل دانشگاهی دانست و گفت: پدیده های اجتماعی، تعادل های اجتماعی یا تخریب از یک تعادل و حرکت به سمت تعادل دیگر است و دانشگاه می‌تواند باعث شکل گیری پدیده های اجتماعی شود. او اضافه کرد: مجموعه آدم های دانشگاهی کمترین وابستگی را به وضع موجود و بیشترین احتمال تغییر باورها و ذهنیت ها را دارند. دانشگاه نمی‌تواند نقش ثبات دهنده را در موضوعات داشته باشد و برای تغییر دادن است. دانشگاه در بستر اجتماعی شبکه خوبی دارد و از اینرو نقطه انتشار خوبی برای پدیده ها در کل کشور است و سبب بستر سازی شبکه های اجتماعی می‌شود.

■ کارکرد سیاسی و اجتماعی فعلی دانشگاه به علت توده ای بودن آن است

بهاره آروین عضو هیات علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه تربیت با بیان اینکه کارکرد اصلی دانشگاه آموزش و پژوهش به معنای تولید علم است گفت: عدم استقلال سازمان دانشگاه به دلیل بیماری عمومی بروکراسی در ایران است. در دوران پهلوی هم دولت از تشکل یافتگی جامعه هراس داشت حتی اگر این تشکل یافتگی صنفی بود.

آروین بیان کرد: جمهوری اسلامی نه تنها دانشگاه که حتی تجمع چند کارگر و معلم را نیز به مثابه تهدید می‌بیند و این موضوع به سازوکارهای سیاسی ما در ایران بر می‌گردد و ربطی به نظام جمهوری اسلامی ندارد و در زمان پهلوی هم همینطور بود و این موارد وجه عام نظام های سیاسی و اجتماعی در کشورها هستند که وقتی شکل سازمانی یا بروکراتیک پیدا می‌کنند، دچار بیماری می‌شوند که دانشگاه هم جز همین سازمان ها است.

این استاد دانشگاه در پایان دلیل پررنگ کارکرد سیاسی اجتماعی دانشگاه را توده ای بودن دانشگاه دانست و گفت: ادامه تحصیل و ورود به دانشگاه در ایران یک الزام است نه یک اختیار و بدون طراحی و برنامه ریزی خاصی دانشگاه نهاد میانجی ورود افراد از خانواده به جامعه شد و همین موضوع کارکرد اجتماعی دانشگاه را محقق می‌کند.

**عدم استقلال سازمان دانشگاه
به دلیل بیماری عمومی بروکراسی در ایران است.
در دوران پهلوی هم
دولت از تشکل یافتگی جامعه هراس داشت
حتی اگر این تشکل یافتگی صنفی بود**



چیستی و چرایی برخی ناهنجاری‌ها در تجمعات اخیر



**نظام جمهوری اسلامی
در عرصه اقدامات نمادین
پیشگام بوده است**

به گزارش روابط عمومی اندیشکده حکمرانی شریف، نشست «چیستی و چرایی برخی ناهنجاری‌ها در تجمعات اخیر» با حضور دکتر سجاد صفار هرنیدی مدیر و عضو هیأت علمی پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی و دکتر بهاره آروین هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس و عضو سابق شورای شهر تهران برگزار شد.

بهاره آروین در ابتدای سخنان خود درباره چرایی به کاربردن ادبیات «رکیک» در اعتراضات، گفت: اگر از من بپرسند این جنبه اعتراضات یعنی استفاده از ادبیات رکیک را ثمربخش می‌دانید یا خیر؟، خواهم گفت از دو جنبه موافق این کاربرد و شکل از کلمات رکیک در شعارهای اعتراضات نیستم؛ اول آنکه این را شکلی از خشونت کلامی می‌دانم که فاصله چندان با خشونت فیزیکی ندارد و کاربرد خشونت فیزیکی را ثمربخش نمی‌دانم. از سوی دیگر این جنبش محوریت خود را بر مبنای زنان قرار داده در حالی که این ادبیات رکیک مشخصاً سالها برای بازنمایی کلیشه‌هایی استفاده می‌شد که فرودستی زنانه را بازتولید می‌کرد.

■ اعتراضات اخیر بیشتر نمایش اعتراض است تا خود اعتراض

وی با بیان اینکه کاربرد این کلمات و ادبیات رکیک ضد اهداف اولیه این اعتراضات است، ادامه داد: فارغ از اینکه موافق یا مخالف این ادبیات باشیم، سوال این است که چطور این امر امکان پذیر شده؟ چگونه رخ داده است؟ و چه عللی باعث شکل گیری آن شد؟ درباره چرایی شکل گیری این ادبیات رکیک باید گفت آیا موضوع گشت ارشاد که نقطه آغاز این اعتراضات بود، همین حالت را برای جمهوری اسلامی نداشت؟



عضو سابق شورای شهر تهران تصریح کرد: نظام جمهوری اسلامی در عرصه اقدامات نمادین پیشگام بوده است و بخش زیادی از سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی در حفظ نمادها پیش رفته است و تلاش زیادی شده تا این نمادها نمایش داده شده و همراهی جذب کنند. اما می توان پرسید گشت ارشاد به عنوان یکی از ابزارهای نظام برای حفظ نمادها، چقدر در جامعه همراهی داشته است؟

آروین ادامه داد: اعتراضات اخیر بیشتر نمایش اعتراض تا خود اعتراض است و «وایرال» شدن در آن نیز خیلی مهم است.

جمهوری اسلامی پیشگام در نزاع بر سر نمادها است

وی در خصوص برخی از اقدامات نمادین این اعتراضات گفت: اینکه مثلاً در مدارس عکسی را پاره می‌کنند این مبارزه نمادین است. این افراد مبارزه را در عرصه نمادین پیش می‌برند که پیشگام این نزاع بر سر نمادها، خود نظام جمهوری اسلامی بوده است و از این رو است که افراد تصور می‌کنند این کار خیلی ثمر بخش است.

عضو هیأت علمی دانشگاه اظہار داشت: خیلی اوقات کلمه «تظاهر کردن» در جامعه مورد استفاده قرار می‌گرفت که استفاده رایج آن تظاهر به روزه خواری بود. معمولاً نظام جمهوری اسلامی می‌گفت من با این تظاهر کردن به روزه خواری مشکل دارم و تظاهر به این کار است که به بازداشت ختم می‌شود. از این رو مبارزه با آن در همین سطح اتفاق می‌افتد. افراد در اعتراضات عیناً این را عکس برگردان می‌کنند. شاید به لحاظ واقعی اتفاق ویژه‌ای نیافتاده باشد اما آنچه زیر سوال رفته حفظ ظاهر است.

شکاف نسلی و فرهنگ توییتری شکل دهنده جنبه نمادین اعتراض بوده است

آروین درباره دلیل مبارزات در عرصه نمادین گفت: چرایی آن به اتفاقی که برای «جامعه پذیری» نسل جدید رخ داده و در تمایزی که اعتراضات نسلی به خود می‌گیرند باز می‌گردد. نسل نیمه دوم دهه هفتاد و دهه هشتادها به بعد با فضای دیگری جامعه‌پذیر شده‌اند و فضای جامعه‌پذیری اینها خیلی متکثر بوده است. اتفاقاً مدرسه در جمهوری اسلامی و حتی قبل آن، کارکرد جامعه‌پذیری داشت. در نسل‌های جدیدتر فقط خانواده، رسانه و مدرسه ابزارهای جامعه‌پذیری نبودند و با ورود اینترنت جامعه‌پذیری به کل متمایز می‌شود. وجه دیگر اعتراضات اخیر پررنگ بودن شبکه مجازی است که توییتر فارسی عمده‌ترین شبکه‌ای است که موج اعتراضی را دارد.

شکاف نسلی و فرهنگ توییتری
شکل دهنده جنبه نمادین
اعتراض بوده است

ندارد و نه تنها دغدغه پیوستن دیگران به خود را ندارد بلکه استقبال هم نمی‌کند. بخش قابل توجهی از جامعه ما مذهبی هستند و اعتقادات مذهبی و سبک زندگی مذهبی دارند. رفتارهایی که این بخش را در مقابل این حرکت قرار دهد به ضرر این حرکت و دعوت است، با این حال چنین دغدغه‌ای نیز وجود ندارد. فراتر از اینها ما شاهد حالتی هستیم که نیاز به پیوستن دیگران نیز ندارد.

صفار هرنندی افزود: در ابتدای این حرکت شاهد بودیم که خانم مهناز افشار به این حرکت می‌گفت «می‌خواهم با شما باشم»، اما با شدت و غلظت به او گفته می‌شود «نه لازمت نداریم». یا خانم گوگوش مثال دیگر است. مکانیزم طرد کنندگی این حرکت خیلی قوی است در حالیکه انقلابات سعی می‌کنند همه را جمع کنند. به وضوح می‌توان گفت ما با یک انقلاب مواجه نیستیم، با یک جنبش اجتماعی هم مواجه نیستیم و آنچه هست نوعی غلیان و برون ریزی نوعی از عواطف و احساسات است که گرچه مضمون و ایده و خاستگاه اجتماعی دارد اما فاقد یک ایده دعوت کننده روشن و فاقد تصویری از آنچه دیگران باید به آن بپیوندند است.

این جنبش فاقد تصویر است و تنها یک رویا دارد

مدیر و عضو هیات علمی پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، با بیان اینکه این حرکت فاقد تصویر است و تنها رویا دارد، عنوان کرد: در این حرکت تصویر قابل دستیابی وجود ندارد چراکه در مجموعه تحولاتی که در دهه ۹۰ از سر گذرانیدیم در این لایه از جامعه که صحبتش را می‌کنیم و البته فراتر از آن، جهان‌هایی که افراد در آن زندگی میکردند را ویران کرد.

این جامعه شناس افزود: اگرچه این جنبش اعتراضی، «انقلاب» نیست اما جنبش گسترده‌ای ناظر بر رفع محدودیت‌های سبک زندگی است که ادامه خواهد داشت و از سوی دیگر نیز این جنبش بسیار اشکال غیر متمرکز و پراکنده در عرصه زندگی روزمره‌ای دارد که مقابله کلاسیک با آن سخت است.

آروین در پایان با طرح این پرسش که مواجهه نظام جمهوری اسلامی با کسانی که غیر مذهبی‌اند چه بوده است؟، گفت: این افراد نادیده گرفته شده‌اند. بلکه نمی‌توان قشر مذهبی را نادیده گرفت اما نظام جمهوری اسلامی غیر مذهبی‌ها را نادیده گرفته است. عین این کار را نظام جمهوری اسلامی کرده است و به محض آنکه کسی متمایز رفتار کرده، گفته: «این از ما نیست».

صفار هرنندی: سفید شویی زشتی‌ها، اقدام غلطی است

سجاد صفار هرنندی مدیر و عضو هیات علمی پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی نیز در این میزگرد با تاکید بر آنکه تحلیلی که در خدمت کاستن زشتی امر زشت باشد و آن را سفید شویی کند، از نظر من نادرست است، تصریح کرد: آنچه شاهد هستیم بسیار دور از میانگین‌ها، حداقل‌های فرهنگی و اخلاقی و خانوادگی ما است.

اعتراضات اخیر دغدغه پیوستن دیگران به خود را ندارد و دوباره ابعاد فرهنگی این جنبش اظهار داشت: جنبش‌ها و حرکت‌های اعتراضی حاوی دعوت‌اند، دعوت می‌کنند و صحنه عمومی را فرا می‌خوانند برای اینکه به آنها بپیوندند. اما یکی از ویژگی‌های این حرکت، این است که این حرکت چندان دعوت در ابتدای دهه ۹۰ صورت‌بندی داشتیم که جهان در مجموع جای

درستی است و ما با نادرستی، زندگی خود را خراب کردیم. مسیری طی شد برای اینکه نرمال باشیم و چه خیال‌ها و رویاهایی وجود داشت؛ مثل کسانی که جشن می‌گرفتند و اسکناس هزار تومانی را با یک دلاری نشان می‌دادند. این ایده و رویا و جهان‌نگری، به نحو فجیعی در تماس با واقعیت فرو ریخت و ویران شد.

وی با بیان اینکه این ویرانی البته به یک معنا مراحلی داشت، ادامه داد: بعد برجام متوجه شدیم آن انتظاری که وجود داشت که «با جهان خوب بودم» و پس «جهان باید به کام ما بچرخد»، دیدیم خیلی حساب و کتب این جهان بر اساس نرم نیست. با این واقعیت تلخ مواجه شدیم. پیرو آن بخشی از جامعه ما که خیلی آینده‌نگری خود را بر این امر سوار کرده بود دچار بحران موجودیتی جدی شد. نوعی از احساس فروبستگی و بی‌افقی، خود را نشان داد. مشخص بود چیزهایی در هم شکسته و افق‌هایی ویران شده و ما این را با قهر کردن و بی‌سرو سامانی و بی‌تابی کردن می‌بینیم که ظهور فردی آن انتخاب مهاجرت بود. اینکه می‌رویم و پشت سر هم را نگاه نمی‌کنیم چراکه اینجا افقی ندارد و شاید جهانی دیگر داشته باشد.

■ «برون ریزی احساس ناکامی» در قالب ناسزای رکیک و خشونت فیزیکی خود را نشان داده است

صفار هرندی تصریح کرد: در این ماجرای اخیر به اعتقاد من صورت دیگر این قهر که در گنه خود غیر سیاسی است، در مقام نفی نیست، بدون افق و دعوت است که بیشتر فحش می‌دهد و لگد می‌زند تا اینکه به واقع چیزی را تغییر دهد چراکه خودش هم نمی‌داند که به کجا دعوت می‌کند. از این رو مساله، مساله برون ریزی و اظهار این احساس ناکامی و فروبستگی و بی‌جهانی است که از آن صحبت کردیم که خود را در قالب شعار رادیکال و دشنام و ناسزای رکیک، خشونت فیزیکی و واقعی نشان می‌دهد.

مدیر و عضو هیات علمی پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، اظهار کرد: جمهوری اسلامی همواره این خطاب را داشت که «اگر مرا قبول نداری، ایران را که قبول داری؟» و این تم (theme) مهمی در موجودیت جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی واقعا آنقدری که می‌گویید خلوص گرا نیست درست است رویا داشته و رویا را فریاد می‌زده و آن رویا را نزدیک می‌دیده اما آنرا کنشگر محاسبه گر و پراگماتیسمی می‌بینم که اهداف و خواست و ایده آلی دارد اما با دو دو تا چهار تا عمل می‌کند.

جمهوری اسلامی
همواره این خطاب
را داشت که «اگر
مرا قبول نداری،
ایران را که قبول
داری؟»





اصلاح حکمرانی نیازمند تغییر در سه مؤلفه «فهم»، «عزم» و «راه حل» است

صفحه اصلیسیاسیورزشیجام جهانی ۲۰۲۲بین‌المللالتصادیاجتماعیفرهنگیاستانهارسانه‌هاوبازارعکسفیلمگرافیک و کاریکاتور

خبرگزاری تسنیمHome

بیشتر بخوانید...

اصلاح حکمرانی نیازمند تغییر در سه مؤلفه «فهم»، «عزم» و «راه حل» است | گفتگو با محمدصادق امامیان

۲۷ آذر ۱۴۰۱ - ۰۹:۳۱ | [اخبار سیاسی](#) | [اخبار گزارش و تحلیل سیاسی](#)

-T1 +





دکتر سید محمدصادق امامیان عضو هیئت علمی دانشگاه امیرکبیر

امامیان معتقد است که در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، رسانه‌ای، امنیت ملی و سیاست خارجی نیازمند آسیب‌زدایی و ایمن‌سازی در شیوه حکمرانی هستیم و در برخی موارد ایجاد نهاد متولی برای اصلاح ضروری است. مشروح این گفت‌وگو توصیف و توصیه‌های این استاد دانشگاه در خصوص مسائل هر حوزه را در ادامه خواهید خواند.

تسنیم: موضوعی که این روزها بحث زیادی پیرامون آن انجام شده مسئله «حادث واقعیت» است که خلاصه آن این است که فضا سازی بوجود آمده پیرامون اتفاقات اخیر چیزی غیر از امر واقع را بازنمایی کرده است. گمان می‌کنم اگر بحث را به میانجی مفهوم «رژیم حقیقت» پی بگیریم بسیار راه گشایتر باشد. از این منظر در خصوص وقایع اخیر چیزی بیش از بازنمایی رسانه‌ای در قالب یک رژیم حقیقت ایجاد شده که بسیاری از مسائل، موضع گیری‌ها، تحلیل‌ها و کنش‌های مختلف در چارچوب این رژیم حقیقت معنادار است و خارج از آن خیر. از طرف دیگر به مرور وجوه زیرین این پدیده هم در اشکال رادیکالی در حال ظهور است. تحلیل شما از اتفاقات اخیر چگونه است؟

امامیان عضو هیئت علمی دانشگاه امیرکبیر گفت: انجام کارهای بزرگ ازجمله تصحیح حکمرانی نیاز فهم درست از مسائل و داشتن عزم و راه حل است.

گروه اندیشه خبرگزاری تسنیم - گفته می‌شود که برای فعالان حوزه سیاست‌گذاری هیچ فرصتی بهتر از وضعیت بحرانی نیست. در شرایط بحرانی، تأملات روی نارسایی‌های سیستمی بالا می‌رود و اندیشکده‌ها با صورت‌بندی‌ای که از مسائل انجام می‌دهند و توصیه‌های سیاستی‌ای برای حل آنها ارائه می‌کنند، مورد توجه سیاستمداران قرار می‌گیرند، طبعاً یکی از بهترین فرصت‌ها برای اصلاح امور در مواقع بحرانی است چرا که اجماعی برای خلاصی از کژکارکردی‌ها و بهینه‌سازی روندهای حکمرانی ایجاد می‌شود.

حال باید دید؛ در جریان اتفاقات اخیر کدام نظامات حکمرانی با چالش مواجه شد و برای آسیب‌زدایی از این حوزه‌ها چه باید کرد؟ برای واکاوی اینکه اندیشکده حکمرانی شریف در این باره چه دیدگاه و چه ایده‌هایی دارد با محمدصادق امامیان، عضو هیئت علمی دانشگاه امیرکبیر و هم‌بنیانگذار اندیشکده حکمرانی شریف به گفت‌وگو نشستیم.



این اتفاق مثل هر اتفاق اجتماعی دیگری متکثر و متنوع است که طبیعتاً جرقه به وجود آمدن آن را به طور خاص می‌توان تحلیل کرد. از ابتدا یک ضعف و یک Driver و عامل انگیزاننده‌ای بوده که در یک جایی به نام گشت ارشاد و مهسا امینی با هم تصادم کرده‌اند. این درایور در چند جای دیگر هم به کار رفته بود که ثمری نداشت و نتوانست شکاف عمیقی ایجاد کند. یک اتفاق وقتی به اوج خود می‌رسد، یک درایور می‌تواند روی آن بنشیند و منجر به جرقه‌ای بشود که البته میزان گستردگی شعله در آینده می‌تواند دلایل دیگری داشته باشد.

آن جرقه را می‌توان به طور خاص بررسی کرد اما این رویکرد اصطلاحاً بسیار نقطه‌ای و تقلیل‌گرا است. باید به تحلیل کل پکیج پرداخت که البته تحلیل یکسانی از تمامیت این پکیج نمی‌توانیم داشته باشیم. به نظر من یک اتفاق «ارگانیک» و در عین حال «طراحی شده» ای افتاده است؛ ارگانیک مثل این وضعیت که اعصاب شما از یک موضوعی خرد است و در بیرون از خانه التهابی را مشاهده می‌کنید و شما هم به آن التهاب دامن می‌زنید.

منظور از طراحی شده هم این است که شما مدت‌ها می‌خواستید شیشه ساختمانی را بشکنید و التهابی به وجود می‌آید و شما هم به اجرای این برنامه می‌پردازید. هدف از طرح این مثال‌ها صرفاً این است که نشان دهیم که این اتفاق علل ارگانیک و از پیش طراحی شده را به نحو توأمان داراست و ما اگر فقط یکی از این علل را برجسته کنیم تن به ساده‌سازی و تقلیل بحث داده‌ایم.

جرقه اولیه بسیار هوشمندانه بود زیرا که سال‌ها بر مسئله حجاب سرمایه‌گذاری ویژه‌ای صورت گرفته بود و کمپین‌های مختلفی پیرامون آن شکل داده می‌شد و در عین حال در این سمت هم می‌دیدیم که عده‌ای می‌خواهند بر ایده‌های سنتی خود پافشاری کنند و حاضر نیستند از خود انعطافی نشان دهند و با این مسئله مواجهه هوشمندانه‌ای داشته باشند.

**مسئله حجاب
نه متولی خاصی
داشت و نه یک
ایده هوشمندانه
و منعطف و به‌روز
مثل کمپین‌سازی
و استدلال اقناعی**

این عدم هوشمندی از یک طرف و اقدامات هوشمندانه از طرف دیگر جرقه این ماجرا را زد که البته وقوع چنین چیزی از مدت‌ها پیش برای ما روشن بود؛ دو سه ماه قبل از قضیه مهسا امینی درگیری در اتوبوس را دیدیم و کاملاً معلوم بود که دارد تلاش‌هایی در این زمینه می‌شود.

مسئله حجاب نه متولی خاصی داشت و نه یک ایده هوشمندانه و منعطف و به‌روز مثل کمپین‌سازی و استدلال اقناعی. مضاف بر تمامی اینها یک اختلاف درون حاکمیتی هم وجود داشت. فکر می‌کنم در حاکمیت علی‌رغم اینکه به نظر می‌رسد همه یک حرف می‌زنند اما دو نوع نگاه وجود دارد؛ یک عده بر این باورند که چه اشکالی دارد ما روی مسئله حجاب تا این حد حساس نباشیم؟ و طرف دیگر می‌گوید اصلاً وجود ما برای اجرای ظواهر و شعائر اسلام است و یکی از اجتماعی‌ترین این ظواهر و شعائر مقوله حجاب است.

ما در چنین وضعی کاملاً آسیب‌پذیر بودیم و طرف مقابل هم از مدت‌ها قبل بر این حوزه متمرکز بود و دائماً «ایده‌پردازی» می‌کرد اما گمان عمومی دست‌اندرکاران این بود که اگر این جرقه شکل بگیرد خیلی بزرگ و سهمگین نخواهد بود مگر اینکه پیوست معیشتی و اقتصادی به خود بگیرد.

بنده معتقدم هنوز خیلی چوب‌خط اشتباهاتمان پر نیست هر چند که آسیب‌های بدی دیدیم اما نظرسنجی‌هایی که انجام شده نشان می‌دهد که دغدغه مردم خیلی معطوف به این حوزه نیست با اینکه سمبولیک، نمادین و گل‌درشت است و از همین جهت هم کمی آسیب دیدیم چون عرصه، عرصه نمادین بود.

این شبهه را در ذهن ما ایجاد می‌کند که گویی در یک عمل انجام شده قرار گرفته‌ایم. یعنی در اوایل انقلاب قرار بر پررنگ شدن مقوله حجاب نبود و خیلی از چهره‌های اصلاح‌طلب تند و کسانی که از حاکمیت خارج شده‌اند بر اینکه آغازکننده و پیگیر بحث حجاب بوده‌اند اذعان داشته‌اند.

بعد از قانونی شدن حجاب متوجه ارزش نمادین آن شدیم و سعی کردیم این وجه نمادین را پررنگ کنیم. هرچقدر جلو آمدیم بر وجه نمادین حجاب اصرار ورزیدیم و تحولات سریع جامعه را ندیدیم. بستر اصلی شکل‌گیری جرقه این داستان وجود یک نقطه آسیب‌پذیر فرهنگی اجتماعی به نام حجاب و وجود یک تمرکز ویژه خارجی بر این حوزه بود که این دو با هم طلاقی پیدا کردند و چنین وضعی به وجود آمد.

بعد از قانونی شدن حجاب متوجه ارزش نمادین آن شدیم و سعی کردیم این وجه نمادین را پررنگ کنیم

به نحو عامدانه‌ای ما نمی‌خواهیم این نقطه آسیب‌پذیری را رفع کنیم و آن را به نقطه قوت خود تبدیل کنیم و طرف مقابل به طور واضح قریب به ده سال است که به نحوی عریان‌تر می‌گوید من این نقطه آسیب‌پذیر را هدف گرفته‌ام.

نقاط آسیب‌پذیر اینچنینی کم نداریم که اگر به اصلاح آنها نپردازیم در بزنگاه‌های مختلف ضربات اجتماعی، فرهنگی و امنیتی خواهیم خورد. سرایت این جرقه‌ای که عرض کردم به این بستگی دارد که شما تا چه میزان مواد قابل اشتعال در کنار آن گذاشته‌اید؛ یعنی چقدر شکاف و منازعه در اجتماع ما وجود دارد که بتواند به اتفاق اخیر پیوست شود. معیشت و مسائل اقتصادی می‌تواند یکی از درایورهای بالقوه ادامه این جنبش باشد که هنوز به طور کامل فعال نشده است.

بعد از
قانونی شدن حجاب
متوجه ارزش نمادین آن
شدیم
و سعی کردیم
این وجه نمادین
را پررنگ کنیم

من به مسائل متکثر فقهی که آگاهی‌ای هم به آن ندارم وارد نمی‌شوم اما به لحاظ تاریخی در مقوله حجاب روایت‌هایی وجود دارد که گاهی

البته وقتی کمی عمیق‌تر به این منازعه نگاه می‌کنید می‌بینید که در پس ذهن هر جوانی که درگیر این قضایا شده نوعی «بی‌آیندگی» دیده می‌شود. طرف مقابل با هر دو رویکردی که عرض کردم یعنی رویکرد ارگانیک و رویکرد طراحی شده این شعله را توسعه داد. این ضعف ارگانیک سال‌ها معلوم بود و ما درباره آن می‌شنیدیم و در عین حال تمرکز طرف مقابل هم بر این نقصان معلوم بود و دائما آن را نشانه می‌رفت که بالاخره به ثمر نشست و توانست عده‌ای را به خیابان‌ها بیاورد و ما هم در قبال این نقصان کاری نکردیم و آن را نادیده انگاشتیم.

■ به نظر شما خود ویژگی‌های مرحوم خانم امینی به مثابه تقاطع چهار نوع شکاف قومیتی، مذهبی، نسلی و جنسیتی (یک دختر جوان کرد اهل سنت) که پتانسیل ایجاد بحران را دارند تا چه حد موثر بود؟ به نظر شما لازم نیست در کنار زمینه‌های آسیب‌زای از پیش موجود برای جرقه چنین اتفاقی به این بسترها هم توجه کنیم؟

جرقه را به عنوان یک نماد از ناکارآمدی حکمرانی می‌توان مورد مذاقه قرار داد. ما باید زمینه‌های بروز چنین اتفاقاتی را مورد شناسایی قرار دهیم و شاخص‌ها را بشناسیم به جای اینکه نگران باشیم که شاخص‌هایی که فرمودید با هم تلاقی پیدا نکنند.

پس باید نقاط آسیب‌پذیر خود را شناسایی کنیم. یک موقع است که برای شما اتفاق غیرمنتظره‌ای رخ می‌دهد و شما غافلگیر می‌شوید اما اتفاقات اخیر از چندین سال قبل معلوم بود که بالاخره اتفاق می‌افتد. مورد سیستان و بلوچستان هم همینطور است؛ چندین سال است که تحرکات آن بخش مسئله است و از مدت‌ها قبل چنین اتفاقاتی قابل حدس بود. ما چرا یک بار برای همیشه به شناسایی این نقاط آسیب‌پذیر نمی‌پردازیم و مسئله را حل نمی‌کنیم؟ پس ما باید زمینه‌های جرقه خوردن این اتفاقات را بشناسیم اما زمینه‌های توسعه پیدا کردن این جرقه بحثی دیگر است.

■ نقش وضعیت اقتصادی و سیاسی به عنوان بسترهای آسیب‌زای دیگری که در کشور وجود دارد تا چه میزان قابل توجه است؟

مسائل اقتصادی و معیشتی و مطالبات طبقه فرودست زمینه‌های شعله‌ورتر شدن ماجراست که خود می‌توانستند جرقه باشند اما در حال حاضر جرقه در ساحت و طبقه دیگری اتفاق افتاده است. جرقه‌ای که شکل گرفت یک سیلی حقیقت بود تا ما را معطوف به توجه بیشتری در خصوص این نقطه آسیب‌پذیر کند و اصلا هم غافلگیرانه نبود.

ما از این جرقه‌ها در کشورمان زیاد داشته‌ایم مثل انتخابات ۸۸ که کاملاً قابل پیش‌بینی بود که مکانیسم انتخاباتی ما روزی منجر به جرقه خواهد شد.

همینطور مسائل قومی قبیله‌ای کشور مثل اتفاقات حال حاضر بلوچستان که از مدت‌ها قبل قابل پیش‌بینی بود. درباره بسترهای شعله گرفتن این جرقه چندین دسته‌بندی می‌توان داشت؛ یکی دسته‌بندی سیاسی که به نظرم در اتفاقات اخیر خیلی مورد توجه قرار نگرفت که ساحتی مقاوم‌تر است و هنوز شعله اتفاقات اخیر به آن نرسیده است؛ چیزی که شاهد بودیم بر ساخت های اجتماعی آن بود و نه خود آن.

خواهان این نیستم که بگویم در لایه سیاسی خوب عمل کرده‌ایم اما بی‌تفاوت هم نبوده‌ایم. ما وقتی این اتفاقات را با وقایع سال‌های ۷۸، ۸۸ و ۹۸ مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که در آن برهه‌ها شکاف درون حاکمیتی داشتیم که صداها می‌شنیدیم و این کار را بسیار سخت می‌کرد.

مثلاً در سال ۷۸ وزیر کشور و چند استاندار استعفا دادند. شما فرض کنید در غائله اخیر چند نماینده مجلس و وزیر استعفا می‌دادند؛ وضعیت به چه سمتی می‌رفت؟ در پسا ۸۸ در لایه سیاسیون درون حاکمیت نوعی تهدیدزدایی تدریجی صورت گرفته است. این تهدیدزدایی خیلی به نحو ایده‌آل انجام نشده و تهدیدات دیگری با خود به همراه داشته است.

به عبارتی به نظر می‌رسد به یکدست سازی سیاسی نزدیک شده‌ایم. اما با تمام ایرادهایی که به این رویکرد وارد است یک قدم به جلو آمده‌ایم. جرقه سیاست را خنثی کردیم اما با یکدست‌سازی، ساحت سیاست را فاقد روح کردیم. درست است که جرقه

چرا یک بار برای همیشه به شناسایی این نقاط آسیب‌پذیر نی‌پردازیم و مسئله را حل نمی‌کنیم؟

سیاست دیگر شعله نمی‌گیرد اما تبعات این ساحت را در مسائل اجتماعی و امنیتی می‌بینیم. رده‌بندی باید به این صورت باشد که جرقه ابتدا در ساحت اجتماعی شعله بگیرد و اگر جمع نشد به لایه سیاسی و اگر باز هم جمع نشد به لایه امنیتی برسد اما متأسفانه در اتفاقاتی که در سالیان اخیر افتاده بلافاصله به لایه امنیتی می‌رسیم و این سلسله مراتب خوب کار نمی‌کند.

این ایمن‌سازی که فرمودید با یکدست‌سازی چه فرق‌هایی دارد؟

شما خانه ای دارید که در برابر آتش آسیب‌پذیر است و شما همه زیبایی‌های ساختمان را حذف می‌کنید و در دیوارتان را آهنی می‌کنید تا از آتش مصون بمانید ولی این خانه روح خود را از دست می‌دهد.



شما خانه ای دارید

که در برابر آتش

آسیب پذیر است

و شما همه زیبایی های ساختمان

را

حذف می کنید

و در و دیوارتان را آهنی می کنید

تا از آتش مصون بمانید

ولی این خانه روح خود را

از دست می دهد

این دو را چطور می شود با هم جمع کرد؟ شما از طرفی می گویید باید فضای سیاسی با نشاطی داشته باشیم و تنوع سیاسی را حفظ کنیم و از طرفی می فرمایید از ۸۸ به این سو به درستی تهدیدزدایی صورت گرفته است.

ما باید به یک «ساخت سیاسی» برسیم. ساخت سیاسی ما باید عمق و چارچوب داشته باشد. یک موقع است که شما دیوار خانه خود را با یک لایه چوب نازک قابل اشتعال می سازید که این به راحتی از بین می رود و یک موقع هم هست که شما هزینه می کنید و یک دیوار با استحکام لازم می سازید که در عین حال زیباست.

ساخت سیاسی ما بسیار تُنک است. یک نظام انتخاباتی با وجود احزاب، لایه های تربیتی و تبلیغی، لابی، حلقه های مردمی و دانشجویی می تواند منتج به یک نظام سیاسی عمیق و دارای چارچوب شود. در چنین نظامی اتفاقات رادیکال و شکاف درون حاکمیتی حاد رخ نمی دهد و همه چیز تردیشنا لایز Traditionalize می شود. ما نیازمند تردیشن سیاسی هستیم.

در انگلستان یک حزب کانسرواتو یا محافظه کار وجود داشت که حزب سنتی آنها بود و عمدتاً متشکل از فئودال های زمین دار بود. از ۱۹۰۰ حزب Labour یا کارگری ایجاد شد که بیشتر رِیل و اپوزیسیون بود و رفته رفته در ساخت سیاسی انگلستان برای خود جا باز کرد و الان از ۱۹۰۰ تا بحال در انگلستان یک نظام دوحزبی را شاهد هستیم که هر

دو حزب لایه های اجتماعی و نهادی خود را شکل داده اند و تبدیل به دیوارهایی مستحکم شده اند؛ نه مثل ایران که حزب هایی تک نفره یا چند نفره که فاقد فکر سیاسی، شاخه های محلی و جریانات دانشجویی هستند وجود دارند.

چنین احزاب یک الی چند نفره و فاقد پیشینه به پوپولیسم منتج می شوند. چنین جریاناتی چون یک شبه ایجاد می شوند ممکن است از چارچوب کلی حاکمیت بیرون بزنند.

در ساختاری که خدمتتان عرض کردم این احتمال که کسی نفوذی از آب دربیاید بسیار پایین می آید و دیگر نمی توانید بگویید فلان جریان به دنبال براندازی است چون این جریان خود را بخشی از ساختار سیاسی کشور می بیند.

از ۱۹۰۰ تا به امروز چندین حزب دیگر در انگلستان ایجاد شده اند که دوام چندانی نداشتند؛ برخی از چارچوب کلی خارج شدند که با سخت ترین حالت ممکن با آنها مواجهه صورت گرفت؛ مثل احزاب کمونیستی ای که در جریان جنگ سرد ایجاد شدند. برخی دیگر از احزاب سیاسی چون از عمق کافی برخوردار نبودند [خود به خود] حذف شدند.

معطوف به همین نکته ای که اشاره کردید، شاهد بودیم که جریان اصلاحات به نحوی بالا آمد که هم می گفت پشتوانه دانشجویی دارد و هم از امثال حسین بشریه و عبدالکریم سروش به مثابه نیروهای تئوریک بهره می برد اما سیاستمداران ما گویی شاذ رفتار کرده اند و همیشه سعی می کردند برای جمع کردن رای در برابر ایده کلی حاکمیت موضع بگیرند. به نظر شما این آسیب زدایی که می فرمایید بخشی از فرآیند برخورد سخت هر حاکمیتی با افرادی که از حاکمیت خارج می شوند نیست؟ به نظر شما شکل گیری ساخت سیاسی از پس همین آسیب زدایی از ساخت سیاسی میسر نخواهد شد؟

من صرفاً یک گریز سریع زدم و اگر بخواهیم بحث را حول محور سیاست جلو ببریم به درازا می‌انجامد. من همان ابتدا هم عرض کردم که حوزه سیاست در ایران نقطه‌ای نیست که مثل سایر نقاط آسیب‌پذیر باشد.

اگر به قول شما این فرآیند یکدست‌سازی بخشی از این فرآیند عمق بخشیدن به ساخت سیاسی در ایران است چه خوب؛ چرا زودتر آن را آغاز نکردیم. ما اگر به ساخت سیاسی کشور عمق نبخشیم دوباره نقصان‌های پیشین تکرار خواهند شد یعنی تا یک مقطعی یکدست جلو می‌رویم و از یک مقطع به بعد یک سری دعوای سطحی شکل می‌گیرد و ناگهان یکی از طیف‌های جدیدالتاسیس از چارچوب بیرون می‌زند؛ مثل شرایطی که در گذشته داشتیم و بعضاً می‌دیدیم که موضع‌گیری‌های شاذ اتخاذ می‌کردند که خود را متمایز نشان دهند.

نمونه چنین شرایطی را در طیف احمدی نژاد و حتی اصلاحات دیدیم؛ با اینکه اصحاب اصلاحات از ابتدای انقلاب در قدرت بودند و تجربه سیاسی و اجرایی عظیمی داشتند. همین اصلاحات ضعف‌های زیادی به لحاظ تکنیکی داشت. مثلاً بدنه اجتماعی نداشت و صرفاً یک بدنه دانشجویی و نخبگانی داشت و اقشار چشمگیری از جامعه را نادیده می‌گرفت و حتی قبل از ۸۸ فاقد پشتوانه حوزوی بود. این جریان‌ها به این دلیل که از عمق سیاسی تهی بودند لاجرم از چارچوب و شاکله حاکمیت خارج می‌شدند. چنین شرایطی نباید دوباره تکرار شود و ما مجبوریم به یک «ساخت سیاسی» پایدار برسیم.

الان معمار ساخت سیاسی ایران چه کسی است؟ جوابی برای این سوال نداریم. مثلاً ما می‌دانیم که امثال حجاریان و تیم مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت در زمان هاشمی معمار جریان دوم‌خرداد بودند اما وقتی می‌خواهیم درباره معمار ساخت سیاسی ایران صحبت کنیم با یک ایکس بزرگ روبرو هستیم.

ما فرض را بر این می‌گیریم که جمهوری اسلامی ایران تازه متولد شده است و می‌خواهیم ساخت سیاسی آن را پی‌ریزی کنیم. معمار چنین ایده‌ای چه کسی است؟ کدام نهادها متولی اجرای چنین امری هستند؟ ما در ساخت سیاسی در عین اینکه آن را یله و رها گذاشته‌ایم اما سعی کرده‌ایم آن را ایمن‌سازی کنیم.

یک عرصه دیگر اقتصاد است که من در اینکه یکی از آسیب‌پذیرترین حوزه‌هاست با شما توافق نظر دارم. این حوزه هم قابلیت شعله گرفتن دارد که باید حتماً ایمن‌سازی‌هایی درخصوص آن صورت گیرد. ما اصلاحات اقتصادی را باید ادامه بدهیم و اقتصاد را در دنده خلاص رها نکنیم.

درباره ایمن‌سازی اقتصاد گفتید. یک بحث در این باره چتر حمایتی برای اقشار کم درآمد است که اخیراً رهبر انقلاب هم در قالب «نظام جامع تامین اجتماعی» سیاست‌های کلی آن را ابلاغ و برای آن مدت شش ماهه تعیین کردند. سرفصل‌های ایمن‌سازی در خصوص اقتصاد و سازوکارهایش چه مواردی می‌تواند باشد؟

من در این حوزه تخصصی ندارم و ترجیح می‌دهم در این باره دکتر زمانیان صحبت کنند ولی فکر می‌کنم «بسته معیشتی» تامین‌کننده حداقلی از نیازهای ضروری اقشار کم درآمد است. درباره تامین و توزیع این بسته‌های معیشتی اختلاف نظرهای جدی وجود دارد و به نظر می‌آید ما در این خصوص همچنان دچار نوعی ابهام در سیاست‌گذاری هستیم و نمی‌توانیم تصمیم‌گیری کنیم. این بسته معیشتی از کجا قرار است تامین اعتبار شود؟ آیا قرار است به صورت نقدی باشد یا به صورت کالا؟ در اندیشکده [حکمرانی شریف] بسیاری بر این باورند که اعتبار لازم برای تهیه و توزیع این بسته‌ها از اصلاح یارانه‌ها بخصوص یارانه انرژی باید تامین شود. این اقدام می‌تواند نوعی عدالت حداقلی را در معیشت مردم ایجاد کند.

یک بحث دیگر سونامی‌های اقتصادی مثل «حباب بورس» یا مشکلات صندوق بازنشستگی است که در زندگی مردم عادی هم اثر می‌گذارد. عدم رسیدگی به این موضوعات در دولت قبل علل اقتصاد سیاسی داشت. مثلاً رانت‌خواری‌هایی در ارتباط مابین برخی دولتمردان و بانک‌های خصوصی شکل گرفته بود و همچنین اصلاحات در حوزه‌هایی که می‌توانست روی برخی اشخاص صاحب نفوذ اثرگذار باشد خیلی برای دولت قبل مطلوب نبود.

علت عدم پیگیری این موضوعات در دولت فعلی هم برمی‌گردد به ناکارآمدی‌های تکنیکی؛ یعنی می‌دانند باید کجا را اصلاح کنند اما نمی‌توانند با آن درگیر شوند یا به طور دقیق‌تر اگر بگوییم مرد تکنیکال برای اصلاح امور ندارند.

تام به او داده شود که تمام توانش را برای حل معضل بگذارد. چرا به چنین اختیار و آزادی عملی نیاز است؟ چون ساختار سیاسی اکثر کشورها از جمله ایران برای حفظ وضع موجود ساخته شده‌اند نه برای تغییر. باید یک چیزی مثل یک «قرارگاه» برای تحول و تغییر ساخته شود تا اختیارات لازم را برای دور زدن ساختارهای مرسوم داشته باشند. ما چنین تصمیماتی را به راحتی در هر حوزه‌ای اتخاذ نمی‌کنیم.

علت دیگر این تمایل برای عدم تغییر این است که پروپوزال سیاستی خوب نداریم و یا اگر داریم بسیار یک خطی و Abstract (انتزاعی) هستند مثل اینکه از اصلاح یارانه‌ها صحبت کنیم که مقوله‌ای بسیار بسیط و با شاخ و برگ بسیار است و نمی‌توان برای آن توضیح یک خطی داد.

اصلاح یارانه‌ها می‌تواند خاک یک کشور را به توبره بکشد و یا به خوبی از آب و گل دریاید و به اصلاح امور بیانجامد. خیلی وقت‌ها ما عزم جدی برای اصلاح داریم و برای آن هزینه هم می‌دهیم اما در آخر فرایند می‌بینیم که اتفاق خاصی رقم نخورده است. اقتصاد هم مثل خیلی از حوزه‌ها یک امر تعاملی و پیچیده و دینامیک است که راه حل و پروپوزال یک خطی نمی‌توان برای آن ارائه داد.

به تعویق نینداختن اصلاحات ساختاری در حوزه اقتصاد باید ضروری قلمداد شود. من طرفدار اصلاح اقتصادی به همراه یک برنامه اجتماعی-فرهنگی موازی با آن هستم. با اینکه این میدان هزینه‌های فراوانی دارد. نباید راحت طلبی به خرج داد و اصلاحات اقتصادی را به تعویق انداخت و بگوییم بعداً سر فرصت به سراغ آن می‌رویم؛ سر فرصت همین حال است.

ما چند بحران در سالهایی نظیر ۷۸، ۸۸ و ۹۸ و امسال را شاهد بودیم. در خیلی از کشورها روال بر این است که تا بحرانی پیش نیاید اجماع ملی برای حل مسائل حاصل نمی‌شود اما برخی از کشورها هم به پیشواز مسئله می‌روند و آن را پیش از موعد حل می‌کنند. با توجه به اینکه فرمودید ما در مواجهه با بحران ۸۸ تا حدی به حل مسئله و آسیب‌زدایی از ساخت سیاسی رسیدیم آیا در خصوص سایر بحران‌ها توفیقی داشته‌ایم؟

مواجهه ما با مسئله در سال ۸۸ خیلی روبنایی بود اما به هر حال با همه هزینه‌هایی که وجود داشت دست به اصلاح زدیم و بی‌تفاوت ننشستیم. اما اگر بپرسید آیا این اقدامات یک بسته کامل اصلاحات سیاسی بود؟ جوابم منفی است.

به لحاظ نظام سیاست‌گذاری و حکمرانی ایراد از کجاست؟

ایراد آنجاست که ما می‌خواهیم مسائل را ساده حل کنیم. تازه این در جایی است که عزم حل کردن داریم. در خیلی از حوزه‌ها به علل مختلف سعی در حل مسائل نداریم؛ یک علت این است که حل کردن مسائل سخت یک عزم سیاسی جدی و در عین حال یک چک سفید سیاسی می‌طلبد.

منظورم از چک سفید این است که به کارگزار و سیاست‌گذار چک سفید ده ساله‌ای داده شود که به حل مسئله پردازد و این اختیار

من طرفدار اصلاح اقتصادی
به همراه یک برنامه
اجتماعی-فرهنگی
موازی با آن هستم

■ از منظر اصلاح حکمرانی و آسیب‌زدایی از مسائل مبتلابه چه موارد موفق را در تجربه چهل ساله جمهوری اسلامی می‌توان برشمرد؟

موارد بسیاری بوده که ما مسئله را به خوبی حل کرده‌ایم. مثلاً در رابطه با فتنه شمال غرب در خصوص گروهک‌های تجزیه‌طلب مسئله را در عمق خاک کردستان عراق حل کردیم. همچنین در خصوص عراقی که یک زمان بلای جان ایران بود و ما طی سالیان به خوبی آن را حل کردیم و از تهدید، فرصت ساختیم.

ما زمانی بحران‌های عدیده‌ای در خصوص زیرساخت‌ها داشتیم که آقای هاشمی رفسنجانی بسیاری از مسائل را حل و فصل کرد.

توسعه امنیتی و نظامی ما در سطح منطقه هم مرهون زحمات سردار شهید سلیمانی است که واقعاً دستاوردی معجزه‌آسا برای یک کشور توسعه‌نیافته و جنگ زده بود.

من می‌خواهم این را بگویم که نباید نگاه بدبینانه بر ما غلبه کند؛ ما ابرپروژه‌های بسیاری را در همین جمهوری اسلامی به سرانجام رسانده‌ایم و مسائل بزرگی را حل کردیم. اجمالاً این را عرض می‌کنم که نظام جاری اداری و ساخت سیاسی ما برای انجام کارهای بزرگ طراحی نشده است.

■ برای تصحیح حکمرانی به چه لوازمی نیاز داریم؟

برای انجام کارهای بزرگ نیازمند سه چیز هستیم؛ اول اینکه مسئله برای ما پررنگ شود و بماهو مسئله فهم شود و به عنوان بحران قلمداد شود که وجه اعلای مسئله است. دوم آنکه «عزم سیاسی» برای حل آن به وجود بیاید و سوم آنکه یک راه حل و Solution برای آن داشته باشیم؛ هرچقدر که عمق این راه حل، عزم سیاسی برای حل آن و درک عمیق از مسئله با هم همراه شود شاهد تحولاتی جدی خواهیم بود. در نهایت به این سه عامل یک عامل جدی دیگر اضافه می‌کنم که عبارت است از نهاد یا فرد متولی؛ یعنی کننده و کارگزار جدی متناسب با حل این مسئله.

ما در حوزه رسانه دو-سه مرتبه‌ای به حل مسئله رسیده‌ایم اما عمر این حل مسئله‌ها کوتاه بوده چون تحول در این حوزه بسیار سریع است. اولین مورد بعد از اصلاح قانون اساسی بود یعنی با

**توسعه امنیتی و نظامی
ما در سطح منطقه هم
مرهون زحمات
سردار شهید سلیمانی
است**

تاسیس نظام ساختاری جدید صدا و سیما که علی لاریجانی آمد و کار را دست گرفت و تلویزیون متفاوتی را بنا کرد.

به بحران‌های دوم‌خرداد که رسیدیم، شکلی تقابلی از رسانه‌ها را در قالب مطبوعات و خبرگزاری‌ها دیدیم؛ این روند تا سال‌های ۷۸-۷۹ اذیت‌کننده بود. رهبری سخنرانی‌ای در مصلی انجام دادند و کم‌کم به سوی حل این بحران رفتیم و برخورد سلبی و ایجابی به نحو توأمان انجام شد و جریان انقلاب دست به بازآفرینی خود در حوزه رسانه زد. بسیاری از خبرگزاری‌های با سابقه حاصل آن دوران هستند.

حوزه رسانه به قدری سیال و رونده است که عمر حل مسائل آن خیلی دوام چندانی ندارد.

بعد از ۸۸ هم یک حل بحران دیگر را از سوی حاکمیت دیدیم. در آن مقطع فیسبوک و یوتوب و توییتر میدان‌داری می‌کردند. در این مقطع هم یک برخورد سلبی و ایجابی به طور همزمان پیاده شد. خبرگزاری تسنیم، جشنواره عمار، افسران جنگ نرم و... حاصل این دوران هستند. تغییرات در حوزه رسانه به قدری سریع و سیال و همراه با تغییرات تکنولوژیک اتفاق می‌افتد که همیشه از آن تا حدی جا می‌مانیم. اکنون در حوزه رسانه بلاشک دچار بحران هستیم اما من مرد عمل و Change Agent این حوزه و در عین حال پروپوزال سیاسی‌ای در این عرصه نمی‌بینم. بنابراین پیش‌بینی من این است که در این حوزه با یک تغییر آرام و معمولی مواجه خواهیم بود نه یک تغییر و تحول رادیکال و بنیان‌کن مثل دوره‌های پیشین.

شخصاً اعتقاد دارم باید نهادهای اجتماعی مثل شبکه مدارس و بسیج محلاتمان را احیا کنیم به یک شبکه اجتماعی فرد به فرد برسیم.

ما به دو علت از چنین شبکه‌های مردمی‌ای غافل شدیم. اول اینکه به حاکمیت چسبیدیم و گفتیم ما از بالا آموزش و پرورش و سایر حوزه‌ها را اداره می‌کنیم و علت دوم این است که از یک مقطعی به بعد امر بر ما مشتبّه شد که رسانه مهم‌تر از این شبکه‌های مردمی‌است و ما اگر رسانه داشته باشیم می‌توانیم بیشتر تاثیرگذار باشیم که چنین تلقی‌ای روی کاغد اشتباه نبود اما در این حوزه قدرتمان نچربید.

این بازگشت به شبکه‌های مردمی که عرض کردم در بسیاری از کشورهای دنیا در حال شکل‌گیری است. چون پلتفرم‌های امریکایی در حال غلبه هستند و بسیاری از دولت‌ها احیای شبکه مردمی را تنها راه حل می‌دانند.

من معتقدم که اینترنت به این وضع نخواهد ماند و حتماً در سطح دنیا چند شاخه خواهد شد و دنیا اینترنت صرفاً امریکایی را تحمل نخواهد کرد. ما هم باید این نظام جایگزین را در این حوزه اعمال کنیم.

حوزه رسانه به قدری سیال و رونده است که عمر حل مسائل آن خیلی دوام چندانی ندارد

نظام حکمرانی
در حوزه امنیتی ما هم
نیازمند
یک بازنگری است
چون از تحولات دنیا
عقب‌تر است

■ به نظر می‌رسد همراه با این تغییر و تحولات اجتماعی، رسانه‌ای و تکنولوژیک، نظام حکمرانی ما در حوزه امنیت ملی و سیاست خارجی هم نیازمند تطابق بیشتر با شرایط جدید است.

یک ساحت دیگر حوزه ساختاری است که چند کار جدی و اساسی نیاز دارد. من مخالف ساختارسازی موازی هستم اما در خصوص تاسیس یک «سازمان مدیریت بحران» ضرورت را احساس می‌کنم. این سازمان غیر از سازمان مدیریت بحرانی است که شرح وظایفش در خصوص آسیب‌های طبیعی است.

ما نیازمند یک سازمان پدافند غیرعامل هستیم؛ هم در زیرساخت‌های سایبری که دارای ضعف‌های از پیش موجودی بود که در این بحران به اوج خود رسید و هم در حوزه اداری. در ساختار اداری آسیب‌پذیری‌هایی داریم. مثلاً داده‌هایمان به راحتی لو می‌رود و در برخی ارگان‌های حساس شاهد نفوذهایی هستیم.

در بحران اخیر دیدیم که مدارس و دانشگاه‌های ما آسیب‌پذیری‌های جدی‌ای از خود نشان دادند. ما باید متوجه بشویم که ساختار اداری ما در بحران‌های اجتماعی چه نقصان‌هایی دارند و از چه جنبه‌هایی می‌توانند آسیب ببینند و ما را زمین‌گیر کنند.

نظام حکمرانی در حوزه امنیتی ما هم نیازمند یک بازنگری است چون از تحولات دنیا عقب‌تر است. مواجهه دستگاه امنیتی ما مثلاً با سازمان مجاهدین همان مواجهه دهه شصت است در حالی که این سازمان از آن زمان تا حالا بسیار تجهیز شده است. البته رشدهایی نسبت به ۷۸، ۸۸ و حتی ۹۸ داشته است اما کافی نیست و جهشی در آن نمی‌بینیم. چون هنوز نسل قبلی سر کار است و این نسل قدیمی به تجربیات گذشته خود بیشتر از تحولات جدید اعتماد دارد.

تا آنجایی که من شنیدم نهادهای امنیتی ما در دولت گذشته به طرز عاقلانه‌ای ضربه خوردند تا جایی که در مقطعی جمع‌آوری اطلاعات از کشورهای دیگر ممنوع شد؛ البته من دقیق نمی‌دانم، شاید توجیه این تصمیم این بوده که به تنش و دردرسش نمی‌ارزد.

یکی دیگر از نقصان‌های این حوزه شاید موازی‌کاری دو نهاد امنیتی کشور ما باشد که البته گویا مشکلات در حال حل و فصل شدن است.

ما نیازمند یک سازمان پدافند غیرعامل هستیم؛ هم در زیرساخت‌های سایبری که دارای ضعف‌های از پیش موجودی بود که در این بحران به اوج خود رسید و هم در حوزه اداری



حوزه آخری که می‌خواهیم راجع به آن صحبت کنم حوزه «دیپلماسی عمومی» است. بحران‌های اجتماعی ما به چند علت سریعاً ابعاد جهانی پیدا می‌کند؛ دلیل اول این است که ما یک اپوزیسیون بین‌المللی داریم که خودش به اندازه کافی انگیزه درگیر شدن با ما را دارد.

دلیل دوم این است که پساجنگ اوکراین ما اکنون طرف دعوای اتحادیه اروپا حساب می‌شویم و یک مناقشه امنیتی-سیاسی بزرگ با آنها داریم و آنها درصدد این هستند که به ما ضربه بزنند. دلیل سوم هم این است که ما پروژه‌های سنگینی چون برجام را روی میز داریم که این خود به طرف مقابل انگیزه تقابل می‌دهد که از بحران‌های ما حداکثر استفاده را ببرد تا امتیازهایش را سر میز بگیرد.

ما برای پوشش این ابعاد بین‌المللی هیچ نظام و ساختاری نداریم؛ وزارت امور خارجه ما که وزارت حفظ وضع موجود است و حتی برای رویکردهای توسعه‌ای معمول هم آمادگی ندارد چه برسد به حل بحران‌ها.

ما تقریباً هیچ نهادی برای حل و فصل و مقابله با تهدیدات بین‌المللی نداریم. ما هم در اتفاقات اخیر و هم در ۸۸ شاهد تحرکات بین‌المللی علیه کشور بودیم که در هر دو مقطع فاقد یک نهاد دیپلماسی عمومی بودیم که روی این جوسازی‌های بین‌المللی علیه کشور متمرکز باشند. به عنوان مثال یکی از کارکردهای چنین نهادی می‌تواند این باشد که به کشورهای درحال تعامل اطمینان بدهد که اوضاع تحت کنترل است تا مناسبات سابق و قراردادهای فیما بین تحت تاثیر بحران بوجود آمده قرار نگیرند.

■ درباره وضعیتی که در ساحت فرهنگ با آن روبرو هستیم باید چه راه حلی اتخاذ کنیم؟

فعلاً باید وضعیت را ارزیابی کنیم و حواسمان باشد که جرقه‌ای که در حوزه فرهنگی اجتماعی موجب آتش شده به سایر حوزه‌ها سرایت نکند. یعنی همانطور که گفتم در حوزه سیاست، اقتصاد، امنیت و دیپلماسی بحران به ایمن‌سازی بپردازیم.

جرقه که این شعله را ایجاد کرد خیلی به سایر حوزه‌ها نرسید و مشکل حادی ایجاد نکرد اما این احتمال که این شعله به حوزه‌های دیگر سرایت کند وجود دارد. حرف من این است که اولویت با ایمن‌سازی است. بعد که ایمن‌سازی تمام شد به سراغ ساحت اجتماعی فرهنگی برویم که جرقه اول از آنجا خورده است.

در این حوزه باید تجزیه و تحلیل کنیم و مسائلی را از هم تفکیک کنیم مثلاً بحث‌هایی مثل شادی و خشم نیاز به تحلیل و ارزیابی جداگانه دارند و باید در خصوص آنها فکری بشود و نهادهایی را به عنوان متولی در نظر بگیریم.

متأسفانه همانطور که پالیتیکال ریپرزنتیشن نداریم سوشال ریپرزنتیشن هم نداریم. یعنی نظام نمادینی که نظام آن را نمایندگی می‌کند با نظام نمادین بخشی از جامعه همخوانی لازم را ندارد. این بُعد بحث شاید پیچیده‌ترین بُعد تحلیل وقایع اخیر باشد. ما عرصه فرهنگ و جامعه را سیاسی Politicize کرده بودیم درحالی که باید این عرصه را DePoliticize می‌کردیم. به نظر من مهمترین شیفت پارادایمی حیات جمهوری اسلامی همین سیاست‌زدایی کردن از فرهنگ و اجتماع است. البته خود من در عین حال مخالف فرهنگ‌زدایی از عرصه سیاست هستم اما سیاست‌زدایی از فرهنگ و اجتماع را توصیه می‌کنم.

حداقل عرصه نمادین فرهنگ و اجتماع را سیاست‌زدایی کنیم و دیگر از این عرصه‌ها استفاده‌های کوتاه مدت و بی‌اثر سیاسی نکنیم و بین سیاست و نمادهای اجتماعی-فرهنگی فاصله گذاری کنیم.

در این حوزه باید تجزیه و تحلیل کنیم و مسائلی را از هم تفکیک کنیم مثلاً بحث‌هایی مثل شادی و خشم نیاز به تحلیل و ارزیابی جداگانه دارند و باید در خصوص آنها فکری بشود و نهادهایی را به عنوان متولی در نظر بگیریم

مهمترین شیفت پارادایمی حیات جمهوری اسلامی همین سیاست‌زدایی کردن از فرهنگ و اجتماع است

بین بحران‌ها و فرصت‌های اصلاح حکمرانی نسبت مستقیمی برقرار است. به نظر شما در وضعیت فعلی اجماع برای حل کدام مسائل بیشتر ضرورت پیدا کرده است و امکان ایجاد فرصت از دل این بحران در کدام حوزه‌ها بیشتر میسر است؟

هنوز ارزیابی ویژه‌ای درباره اینکه بحران فعلی درباره کدام یک از ایده‌های موجود فرصت ویژه است ندارم. مثلاً ما مدت‌ها به دنبال این بودیم که درباره ساخت سیاسی کشور که بسیار تُنک و غیرمفید است (اگر خود بحران‌زا نباشد) به ارزیابی‌ای برسیم؛ شاید شرایط فعلی و بحرانی که گذراندیم فرصتی برای این ساخت سیاسی باشد که خود را ترمیم کند.

درباره این هفت حوزه‌ای که امروز بحث کردیم در صورت وجود Policy Proposal، می‌توانیم بازنگری داشته باشیم و فرصت‌هایی را ایجاد کنیم البته به شرط آنکه حاکمیت بحران را به خوبی فهم کند و برای حل آن اراده سیاسی از خود نشان دهد.



واگذاری موضوع حجاب به ۳۵ دستگاه
فرهنگی و انتظامی یک اشتباه حکمرانی است



واگذاری موضوع حجاب به ۳۵ دستگاه فرهنگی و انتظامی يك اشتباه حکمرانی است

به گزارش روابط عمومی اندیشکده حکمرانی شریف؛ شب گذشته (۲۵/مهر) برنامه‌ی زنده‌ی تلویزیونی «شیوه» با موضوع «سیاست‌گذاری فرهنگی» با حضور دکتر سید محمدصادق امامیان عضو هیئت علمی دانشگاه امیرکبیر و هم‌بنیانگذار اندیشکده حکمرانی شریف؛ روی آنتن شبکه‌ی ۴ رفت.

دکتر سید محمدصادق امامیان در ابتدای جلسه به موضوع درست یا غلط بودن نحوه‌ی مداخله‌ی حکمرانان در حوزه‌ی فرهنگ اشاره کرد و گفت: فارغ از اینکه سیاست‌گذاری را به نحوی مداخله‌ی حکومت در اداره‌ی امور جامعه فرض کنیم یا نه؛ ما در سال گذشته شاهد یک تغییر گفتمانی، ریشه‌ای و بنیادی در نگاه سیاست‌گذاری حوزه فرهنگ در کل دنیا بوده‌ایم.

وی اظهار داشت: ما فرهنگ را بیش از آنچه که باید سیاست‌زده و امنیت‌زده کردیم. نگاه امنیتی و نگاه‌های سیاست‌زده به فرهنگ اصلاً قابل دفاع نیست و این مسئله مربوط به دولتی خاص در کشور نیست. عدم وفاق حاکمیت در جهت‌گیری فرهنگی کاملاً مشهود و قابل لمس است و می‌توان گفت به نوعی فرهنگ را بازیچه‌ی بازی‌های سیاسی کرده‌اند.

عضو هیأت علمی دانشگاه امیرکبیر بروکراسی ناکارآمد را مسبب مرگ ایده و نوآوری در هر موضوعی دانست و گفت: وقتی اجازه‌ی ظهور و بروز جریان‌های حرفه‌ای مردمی در حوزه‌ی فرهنگ داده نشود، شاهد شکل‌گیری ساختار فرهنگ توده‌ای در جامعه خواهیم بود که ما را از اهداف فرهنگی انقلاب دور می‌کند.

وی ادامه داد: برای حل مشکل بروکراسی ناکارآمد و مشکلات ساختاری در فرهنگ باید اجرای آن را از دولت جدا کرد و بخش مردمی حرفه‌ای عنان کار را در دست گیرد و دولت نقش تنظیم‌گرانه داشته باشد.

سید محمدصادق امامیان؛ در ادامه به آسیب شناسی ساختارهای فرهنگی کشور پرداخت و گفت: رمز ناگفته‌ی انجام نشدن کار در کشور ما، تشکیل شوراهای متعدد است. تجربه نشان داده که سپردن کار به این شوراهای منجر به نتیجه نرسیدن سیاست‌ها و همچنین عدم پاسخگویی مسئولان ذی ربط در خصوص وضعیت فرهنگی کشور است.

رئیس هیأت مدیره اندیشکده حکمرانی شریف با اشاره به مسئله‌ی حجاب که یک موضوع مهم فرهنگی در کشور است، اظهار داشت: در حال حاضر ۳۵

واگذاری موضوع حجاب به ۳۵
دستگاه فرهنگی و انتظامی يك
اشتباه حکمرانی است

سازمان بروکراتیک در این موضوع مسئولیت دارند که هیچ یک از آنها مسئولیت وضعیت حجاب را نمی پذیرند و در نهایت هم نوک پیکان به سمت نیروی انتظامی گرفته می شود.

عضو هیئت علمی دانشگاه امیرکبیر گفت: حکمرانی توزیع قدرت متمرکز به سایر ساختارهای اجتماعی است. امروز از لحاظ علمی و تئوری نیز مسئله بی طرف بودن حکمرانی رد شده است و دولت ها وظیفه دارند مداخله جهت دار به نفع منافع عمومی کشور داشته باشند.

وی افزود: دولت ها در دنیای امروز جهت دارند و جهت می دهد؛ منتهی هوشمندانه از همه ابزارهای اجتماعی استفاده می کند و سیاست های خود را در بستر همراهی اجتماعی به ثمر می رسانند.

امامیان با انتقاد از عملکرد متداخل و گاه متعارض دستگاه های فرهنگی کشور گفت: در یک فرض ذهنی اگر در همین مسأله حجاب ۳۵ سازمان به یک سازمان تبدیل شوند و آن سازمان هم به جای آن که خود متصدی همه امور باشد، در جایگاه حاکمیتی قرار گرفته و فضا را برای بخش های مردمی مهیا کند، وضعیت خیلی بهتری خواهیم داشت. به علاوه مسائل و پاسخگوی وضعیت بوجود آمده هم مشخص خواهد شد و امکان اصلاح و بهبود سیاست ها فراهم می شود.

وی ادامه داد: در مقابل تعداد زیادی اندیشکده خارجی، نهاد پژوهشی و افراد حرفه ای رسانه ای با ایده و نوآوری که هر روز تلاش می کنند حجاب را در کشور به یک بحران اجتماعی تبدیل کنند، ۳۵ سازمان بروکراتیک داریم که هیچ کدام ایده و خلاقیتی نداشته و اقدام موثری برای پیشبرد سیاست های کشور ندارند.

**امروز از لحاظ علمی و تئوری نیز
مسئله بی طرف بودن حکمرانی رد
شده است و دولت ها وظیفه دارند
مداخله جهت دار به نفع منافع عمومی
کشور داشته باشند**



بحران‌ها فرصتی برای ایجاد تحولات است و مسئولین ما معمولاً به موضوعاتی که ارائه می‌شود تا زمانی که به یک بحران تبدیل نشود، حساس نمی‌شوند

امامیان با اشاره به عملکرد مردمی هیأت‌های مذهبی به عنوان یک موضوع فرهنگی کشور افزود: هیئت‌های مذهبی چون مردمی و جوان‌گرا هستند همواره برای برنامه‌هایشان، ایده جدید و نوآورانه دارند و با وجود هجمه‌های رسانه‌ای سنگینی که بر علیه هیئت‌ها می‌شوند؛ هر سال شاهد پروتق تر شدن هیئت‌ها هستیم.

وی شکاف‌های اجتماعی داخلی را باعث قدرت گرفتن مداخله‌ی خارجی در این اتفاقات دانست و ادامه داد: بحران‌ها فرصتی برای ایجاد تحولات است و مسئولین ما معمولاً به موضوعاتی که ارائه می‌شود تا زمانی که به یک بحران تبدیل نشود، حساس نمی‌شوند.

عضو هیئت علمی دانشگاه امیرکبیر در پایان فهم دقیق از موضوعات، درک وجود مشکل و تمایل سیاسی نسبت به حل موضوع و داشتن ایده را پنجره‌ی فرصتی برای تغییر سیاستی دانست و تاکید کرد: اگر ضعف داخلی وجود نداشته باشد، سرمایه‌گذاری دشمنان به نتیجه نخواهد رسید.



تاملی بر هیجان‌های خشونت‌آمیز و اعتراض‌های اخیر



۱۹ آذر ۱۴۰۹

خبرگزاری جمهوری اسلامی

۱۹ آذر ۱۴۰۹

کد خبرگزاری: 879

کد خبر: 84965995

پژوهش

عکس

فیلم

گرافیک

زندگی

مدرسه‌خبر

سایر

عناوین

سیاست

اقتصاد

جامعه

فرهنگ

علوم‌آموزش

ورزش

استان‌ها

جهان

پژوهش

عکس

فیلم

گرافیک

زندگی

مدرسه‌خبر

سایر

تاملی بر هیجان‌های خشونت‌آمیز و اعتراض‌های اخیر

علی سهد - مدیر اندیشه حکمرانی شریف



۱۹ آذر ۱۴۰۹

کد خبرگزاری: 879

کد خبر: 84965995

پژوهش

پژوهش اجتماعی-فرهنگی

ت

ت

نظر

پرچسپ‌ها

اعتراض‌های خیابانی

امنیت

تب

شهریور 1401



علی سعد
مدیر اندیشکده حکمرانی شریف

و برتری جویی است. جامعه‌شناسان دیگری از جمله «آنتونیو نگری» و «مایکل هارت» برای توصیف ویژگی‌های رفتاری این جمع افراد از واژه «انبوه خلق» نیز استفاده کرده‌اند و در سال‌های اخیر نیز کلید واژه توده هوشمند (Smart Mob) توسط «هوارد رینگولد» مورد استفاده قرار گرفته است.

این ویژگی‌ها که خصوصیت رفتار جمعی توده‌ای و هیجان‌های سرایتبخش است، برای نخستین بار در توصیف رفتارهای خشن و عجیب انقلابیون فرانسه در قرن ۱۶ میلادی در حمله به زندان باستیل و مثله کردن زندان‌بان‌ها و فرماندار باستیل به کار گرفته شد. پس از آن، بسیاری از موقعیت‌های مشابه توسط پژوهشگران بررسی شد و این‌گونه رفتار که در جمع‌های متراکم انسانی بوقوع می‌پیوندد توصیف و تحلیل شده است.

اما در سالیان اخیر با رشد و گسترش ابزارهای ارتباطی، شاهد نوع جدیدی از این‌گونه رفتار توده‌ای هستیم. با گسترش نفوذ ابزارهای ارتباطی میان شهروندان، به اعتقاد رینگولد پژوهشگر اثرات اجتماعی، فناوری‌های ارتباطی، قابلیت ارتباط و محاسبه از طریق شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها قابلیت همکاری مردم را تقویت کرده و امکان ایجاد توده ناگهانی را با وجود داشتن فاصله فیزیکی در زمان و مکان معین ایجاد می‌کند.

تحلیل و توصیف اعتراض‌های اخیر به دلیل جدید بودن سبک و شیوه آن کار آسانی نیست. نظریه‌های گذشته جنبش‌های اجتماعی و هیجان‌های توده‌ای به طور عمده براساس ساختارهای عمودی جوامع در دهه‌های گذشته توسعه یافته اما شبکه‌ای شدن جوامع و گسترش و مستحکم شدن ارتباطات افقی بواسطه توسعه، استفاده از تلفن‌های همراه و پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر نیاز به رویکرد ترکیبی و تلفیقی برای توصیف دقیق‌تر و تحلیل عمیق‌تر را ایجاب می‌کند.

در این یادداشت تلاش می‌شود با بررسی مطالعات انجام شده، چرایی سبک جدید اعتراض‌ها بررسی و در خصوص شیوه مدیریت آنها راهکارهایی برای دستگاه‌های تصمیم‌گیر ارائه شود.

مطالعه و توصیف رفتار جمع زیاد و متراکم مردم که به آن توده (Mass) گفته شده و منجر به هیجان‌های غیرطبیعی در افراد حاضر در موقعیت می‌شود سابقه دیرینه‌ای در علم جامعه‌شناسی دارد.

«گوستاو لوبون» جامعه‌شناس فرانسوی، این ویژگی‌ها را برای توصیف مفهوم «توده» به معنای عده‌ای از افراد که در پی در عمل مشخصی یا بروز حادثه‌ای گردهم می‌آیند و دارای ویژگی‌های از بین رفتن شخصیت خودآگاه، احساس همبستگی و روح مشترک با توده، تلقین‌پذیری و زودباوری، مبالغه و اغراق در فهم واقعیت، سازش‌ناپذیری

تاریخی و فروشگاه که منجر به خسارات جبران ناپذیری شد در عمل نتوانست اقدامی برای کنترل آن کند. اقداماتی که در روزهای اخیر در سطح برخی از شهرهای کشور رخ داد با همین قاعده قابل توصیف است.

■ هویت مجازی و احساس همبستگی در میان افراد ناهمگون

از دیگر ویژگی‌های شبکه‌های شکل گرفته در بستر آنلاین، شکل‌گیری همبستگی میان جمع ناهمگونی از افراد با اعتقادهای و پیشینه‌های متفاوت است. در شبکه‌های اجتماعی مجازی شکل گرفته، افرادی که به طور عمده جوان یا نوجوان هستند با افراد دیگری که در این توده مجازی قرار گرفته‌اند اما پیشینه‌های جنایت‌کارانه دارند، احساس همبستگی می‌کنند. این مسأله علاوه بر سرایت هیجان‌ها و اقدامات جنایتکاران به جوانان، موجب انجام اقداماتی خواهد شد که شاید هر یک از آن جوان‌ها و نوجوان‌ها در شرایط عادی به هیچ‌وجه مرتکب نمی‌شدند.

■ بنابراین سه ویژگی عمده در این توده بوجود می‌آید:

۱. غیرقابل پیش‌بینی شدن نقش‌ها در هر موقعیت به گونه‌ای که اقدامات غیر پیش‌بینی‌شده از افراد سر می‌زند.
۲. هم‌زمانی ارتباطات چندسویه و هم‌زمانی اجرای نقش‌ها به این معنا که فرد در زمانی که در یک محیط علمی حضور دارد می‌تواند نقش یک معترض خشن را ایفا کند.
۳. از بین رفتن مرزبندی و تفکیک میان نقش‌ها به نوعی که فرد نمی‌تواند میان الزامات نقش قبلی خود با نقش کنونی‌اش در توده، تفاوت و تمایز قائل شود.

این سه ویژگی را می‌توان ریشه برخی از اقداماتی دانست که در هفته‌های گذشته در سطح کشور بارها مشاهده شد.

از سوی دیگر، مطابق نظر جامعه‌شناسان در خصوص مفهوم «تغییر اجتماعی» (Social change)، شرایط تغییر می‌تواند توسط عواملی کندتر یا فعال‌تر شود. بر همین مبنا نیز می‌توان گفت شبکه‌های مجازی شکل گرفته در بستر آنلاین در ایجاد شرایط تغییر از طریق بالابردن سرعت انتقال اطلاعات و بی‌کارکرد کردن «کنترل‌های اجتماعی» نیز می‌تواند این روند را تشدید کند.

به عبارت دیگر، فرآیند تغییرات اجتماعی با وجود فناوری‌های ارتباطی، سرعتی بسیار بالاتر می‌گیرد و از سوی دیگر نوع و سبک این تغییرات نیز نسبت به انواع گذشته دچار دگرگونی می‌شود.

■ داغ شدن بازار شایعات و اثرپذیری بالای توده

همانگونه که اشاره شد، از ویژگی‌های توده «تلقین‌پذیری و زودباوری» بالای آن است. بر این اساس افرادی که در موقعیت توده قرار می‌گیرند نسبت به شایعاتی که در راستای هدف شکل‌گیری توده مطرح می‌شود خیلی سریع واکنش مثبت نشان می‌دهند و احساس‌های آنها تشدید می‌شود و این مسأله انگیزه فعالیت را بالا می‌برد.

■ رشد خشونت عریان

تأثیرگذاری شایعات و سرایت احساس‌ها که در پی یک واقعه و در شبکه‌های انسانی شکل گرفته در فضای مجازی اتفاق می‌افتد عامل مهمی در گسترش خشونت عریان است. فردی که در محاصره احساس‌های فزاینده توده قرار گرفته، به شدت مستعد انجام اعمال و اقدامات تشدید یافته می‌شود. مثال روشنی از این مسأله در شورش ۲۰۱۱ انگلستان قابل مشاهده است که معترضان با «احساس سازش‌ناپذیری و شکست ناپذیری» دست به اقداماتی زدند که در تاریخ معاصر بریتانیا بی‌سابقه است.

پلیس در برابر آتش‌زدن چند صد منزل مسکونی، بنای

**فردی
که در محاصره
احساس‌های
فزاینده توده قرار
گرفته، به شدت
مستعد انجام اعمال
و اقدامات تشدید
یافته می‌شود**

کاهش اثرگذاری هنجارها و چارچوب‌های اجتماعی

بیشتر فعالیت‌ها و ساختارهای گروه بزرگ در جوامع انسانی بازتابی از قواعد، تعاریف یا هنجارهای جا افتاده و شکل گرفته است؛ در حالی که رفتار جمعی، خارج از قلمرو تجویز فرهنگی قرار می‌گیرد و فردی که در دام توده گرفتار شده، نسبت به هنجارهای مورد قبول خود، کم‌تفاوت یا بی‌تفاوت می‌شود.

از سوی دیگر یکی از ویژگی‌های نسل جدید که از آن با عنوان نسل «زد» یاد می‌شود، درهم شکستن ارزش‌ها و بازآفرینی ارزش‌های جدید است. هم‌افزایی این دو مسأله منجر می‌شود که کارکرد هنجارهای جامعه کم‌اثرتر شود. به همین دلیل انجام رفتارهای هیجانی و رفتار خارج از عرف در اعتراض‌های اخیر به صورت بیشتری دیده شد.

اینفلوئنسرهای مجازی رهبران افکار در نسل جدید

از نقطه نگاه ادبیات توده در جامعه‌شناسی، برای اینکه توده به مرحله حرکت و اقدام برسد عوامل پیش‌زمینه‌ای باید کنار هم قرار بگیرند. بوجود آمدن فشار ساختاری، احساس محرومیت و در نهایت انتشار عقیده تعمیم یافته و ایجاد یک هویت متحد، از پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری توده است.

سلبریتی‌ها، واینرها و بلاگرها امروز به عنوان افراد مرجع در بخشی از جامعه که عمده آنها در نسل زد (Z) قرار دارند، می‌توانند در انتشار عقیده تعمیم‌یافته و درک واحد از شرایط موجود موثر باشند و به نوعی عامل تشدیدکننده آن باشند.

امروز امثال علی کریمی و برخی از خبرنگاران رسانه‌های خارج از کشور چنین نقشی را بازی کرده و زمینه‌های شکل‌گیری هیجان‌های اعتراضی را فراهم می‌کنند.

چه باید کرد؟

توصیف‌های پیش‌گفته از فعالیت‌های توده‌های جدید در فضای مجازی نشان از واقعیت جدیدی در جوامع دارد و احتمال اینکه این توده‌ها که روی شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته در فضای مجازی تشکیل می‌شوند در پس حوادثی در آینده نیز بوجود آیند، قابل پیش‌بینی است. بنابراین به نظر می‌رسد باید با اتخاذ راهکارهایی نسبت به کاهش اثرات و آسیب‌های آن اقدام کرد.

در این زمینه چند رویکرد مهم در سطح حکمرانی فرهنگی کشور اشاره می‌شود:

۱. گسترش تجربه فعالیت‌های جمعی برای عموم مردم

«همکاری مشارکتی» یکی از ویژگی‌های انسان است که موجب رشد و توسعه تمدن بشری شده است. این ویژگی باعث تجربه نوع خاصی از لذت در فعالیت‌های جمعی می‌شود. از این جهت دستگاه‌های متولی حوزه فرهنگ و سیاست باید شرایط تجربه این احساس را به صورت منطقی و مشروع فراهم آورند.

لزوم تجدیدنظر در آیین‌نامه اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی، ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تجربه فعالیت جمعی در حوزه‌های فرهنگی و ورزشی، به رسمیت‌شناختن فعالیت‌های صنفی می‌تواند به این مسأله کمک کند.

۲. تنظیم‌گری سلبریتی‌ها

در دنیای امروز که سلبریتی‌ها به نوعی نقش نخبگان به عنوان رهبران افکار عمومی را بازی می‌کنند، بی‌تفاوت‌بودن نسبت به این مسأله یا فقط نگاه امنیتی داشتن به آن، یک اشتباه حکمرانی است. مسئولان فرهنگی کشور باید با پذیرش این واقعیت جامعه به سمت هدایت، جهت‌دهی، ریل‌گذاری و تدوین قوانین و مقررات برای این دسته نوظهور رهبران افکار عمومی حرکت کند.

در جریان شروع بیماری کرونا در برخی از کشورها از سلبریتی‌ها برای گسترش سواد بهداشتی افراد جامعه استفاده شد که نتایج قابل توجهی داشت؛ بنابراین استفاده از این ظرفیت و تقلیل‌دادن نگاه تهدیدمحور به آن می‌تواند در بحران‌های اجتماعی آینده کمک‌کننده به حل مشکل باشد.

۳. اصلاح و تکمیل قوانین مرتبط با فضای مجازی

در حال حاضر جدی‌ترین قانون در فضای مجازی، قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ است که نیاز به بروزرسانی و در نظر گرفتن شرایط فضای دیجیتالی شده امروز دارد. تطبیق جرایم امروز با قوانین گذشته یک اشتباه حکمرانی است که به کژکارکرد و گاهی عدم کارکرد قوانین منجر می‌شود. مسائل اخبار جعلی، سلبریتی‌ها، مسئولیت پلتفرم‌ها و ... از جمله مسائلی است که به بروزرسانی و شفافیت و همچنین شکل‌گیری وحدت رویه در دستگاه قضا نسبت به آنها نیاز دارد.

۴. داشتن دستورالعمل رسانه‌ای بحران‌های اجتماعی

امروزه داشتن دستورالعمل رسانه‌ای در بحران‌های طبیعی یک امر پذیرفته شده و ضروری تلقی می‌شود. در بحران‌های اجتماعی نیز باید به این سمت حرکت کرد تا بایدها و نبایدهای مسئولان، رسانه‌ها و دستگاه‌ها به صورت مشخص و شفاف تعیین شود و از اقدامات پارتیزانی و پراکنده که گاهی موجب خنثی‌سازی و یا کم‌اثر کردن اقدامات سایر دستگاه‌های متولی می‌شود، اجتناب کرد.

۵. نقش پررنگ رسانه ملی

رسانه ملی در حکمرانی رسانه‌ای کشور، نقش بی‌بدیل و غیرقابل انکاری است. از

**در حال حاضر جدی‌ترین قانون
در فضای مجازی، قانون جرایم
رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ است
که نیاز به بروزرسانی
و در نظر گرفتن شرایط فضای
دیجیتالی شده امروز دارد**

رسانه ملی در حکمرانی رسانه‌ای کشور، نقش بی‌بدیل و غیرقابل انکاری است

این جهت در چند بخش به بروز رسانی سیاست‌ها و تطبیق با چارچوب رسانه‌ای امروز نیاز دارد. ایجاد هم‌افزایی با سایر رسانه‌ها که نخستین مرحله آن پذیرش و نداشتن نگاه متخاصمانه است، باید در دستور کار قرار گیرد. از سوی دیگر رویکرد سیاسی رسانه ملی باید به سمت ایجاد مرجعیت خبری برای قشر بیشتری از مردم حرکت کند تا در مواقع بحران، نقش موثرتری در مقابله با جریان‌های اخبار جعلی در فضای مجازی و رسانه‌های خارج از کشور ایفا کند.

۶. پیگیری حقوقی تخلف‌های رسانه‌های خارجی
یک مسأله‌ای که تاکنون مغفول مانده، بی‌تفاوتی و انکار تأثیرگذاری رسانه‌های خارجی در کشور بوده است. مسائل اخیر به روشنی نشان داد که باید با یک بسته منسجم در خصوص خنثی‌سازی اقدامات این رسانه‌ها عمل کرد. یکی از ابزارهای موثر در این زمینه، پیگیری حقوقی تخلف‌های آنها بر اساس پروتکل‌ها و قوانین بین‌المللی است. شکایت و پیگیری جدی در این زمینه یکی از مسیرهایی است که دستگاه حقوقی و قضایی کشور باید به صورت جدی دنبال کند.



الزامات حکمرانی بحران‌های اجتماعی

روزنامه صبح ایران

شماره روزنامه ۵۶۵۹
یکشنبه ۹ بهمن ۱۴۰۱

دیسای اقتصاد

خبر دنیا

صنعت، معدن و بازرگانی

مسکن و عمران

بورس

بازار طلا و ارز

سیاست گذاری

بازار پول و ارز

خودرو

بازار دیجیتال

روزنامه امروز

صنعت و معدن

بازرگانی

معدن و صنایع معدنی

سهمین حالا نقد کن

PayPal

سیم سامان
Saman Insurance

تشریک

استان‌ها

آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای

درباره ما

تماس با ما

الزامات حکمرانی بحران‌های اجتماعی

شماره روزنامه: ۵۵۶۷ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۰۷/۲۰ شماره خبر: ۳۹۰۷۰۰۹

سیدمحمدصادق امامیان/ هیات علمی دانشگاه صنعتی امیرکبیر و هم‌بنیان‌گذار اندیشکده حکمرانی شریف

وقوع بحران‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی به بخشی از واقعیت‌های زندگی روزمره جوامع مدرن تبدیل شده است. مهاجرت به سوی شهرها و توسعه حاشیه‌نشینی، تعدد بحران‌های اقتصادی، گسترش نابرابری‌ها و تبعیضات اجتماعی، وجود شکاف‌ها و بی‌شده‌گی سیاسی، تحولات محیط‌زیستی و به‌هم‌خوردن تعادل سنتی در پراکندگی جمعیتی، در کنار ظهور شبکه‌های مجازی و



دکتر سید محمدصادق امامیان عضو هیئت علمی دانشگاه امیرکبیر

بدون ورود به جنبه‌های ارزشی و سیاسی این بحران‌ها و مبتنی بر رویکرد عمل‌گرایانه و غیرسیاسی، اندیشکده حکمرانی شریف، بررسی سیاست‌های دولت‌های مختلف در نحوه مواجهه و کنترل این بحران‌ها به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از واقعیت‌های حکمرانی جوامع مدرن نکات ارزشمندی را به‌عنوان توصیه سیاستی در موارد مشابه در اختیار پژوهشگران و سیاستگذاران قرار می‌دهند. بدیهی است بسته به نوع و پیشران اصلی این بحران‌ها، رویکردهای کنترلی متفاوتی اتخاذ می‌شود و توصیه‌های سیاستی این نوشتار بیشتر ناظر به بحران‌های مبتلا به کشور عزیزمان در دو دهه گذشته است که بنابر مقتضیات محیطی آن، به سرعت رنگ و بوی سیاسی می‌گیرد و با مداخلات و سوگیری‌های خارجی و تهدیدات امنیتی همراه می‌شود.

متن حاضر حاصل مشاهدات و تحلیل‌های یک پژوهشگر علوم سیاستگذاری و حکمرانی است و از منظر روشی و تحلیلی، تا رسیدن به روایی و اعتبار علمی نیازمند تکمیل و توسعه است؛ اما با توجه به تقارن زمانی با اتفاقات شهریور و مهر ۱۴۰۱، انتشار آن، خالی از لطف و بهره‌گیری به نظر نمی‌رسد. همین‌طور این یادداشت متعمدانه از ورود به جنبه‌های امنیتی و قضایی کنترل این بحران‌ها خودداری کرده است و صرفاً بر بیان اهم رویکردهای غالباً مغفول غیرامنیتی متمرکز شده است.

وقوع بحران‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی به بخشی از واقعیت‌های زندگی روزمره جوامع مدرن تبدیل شده است. مهاجرت به سوی شهرها و توسعه حاشیه‌نشینی، تعدد بحران‌های اقتصادی، گسترش نابرابری‌ها و تبعیضات اجتماعی، وجود شکاف‌ها و قطبی‌شدگی سیاسی، تحولات محیط‌زیستی و به‌هم‌خوردن تعادل سنتی در پراکندگی جمعیتی، در کنار ظهور شبکه‌های مجازی و تعمیق گسل‌های اجتماعی و سیاسی و ترویج نفرت‌پراکنی و خشونت از جمله عوامل ظهور و بروز بحران‌های اجتماعی نوین برشمرده می‌شوند. به علاوه مداخلات بین‌المللی و نفوذ کشورهای ابرقدرت در امور داخلی کشورها هم در دهه‌های گذشته به این مجموعه عوامل افزوده شده‌اند.

از کودتاها و بحران‌های کشورهای آمریکای جنوبی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی تا انقلاب‌های مخملی و بحران‌های سلسله‌وار در کشورهای عربی در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ از اعم بروزات آنها در قرن جدید بوده‌اند. در این بین کشورهای اصطلاحاً ابرقدرت هم از چنین پدیده‌هایی مصون نبوده‌اند. از جنبش‌های کارگری انگلستان در زمان تاجر و ناآرامی‌های جدایی‌طلبانه در ایرلند شمالی در دهه ۸۰ میلادی، تا شورش‌های سال ۲۰۱۱ انگلستان و ناآرامی‌های نژادی سال ۲۰۱۹ و غائله‌های پس‌انقلابی ۲۰۲۰ و تسخیر کنگره ایالات متحده آمریکا، در کنار اعتراضات چپ موسوم به جلیقه‌زرها در فرانسه از جدیدترین این نمونه‌ها محسوب می‌شوند. تعدد و توالی این آشوب‌ها و ناآرامی‌ها در جوامع مدرن، لزوم تمرین و آمادگی برای زیست همراه با بحران را اجتناب‌ناپذیر می‌کند.

۱- ساختار حکمرانی فرا/ بین بخشی: مطالعه بحران‌های اجتماعی در کشورهای مختلف و به‌ویژه ناآرامی‌های دو دهه اخیر در کشورمان اعم از بحران موسوم به «امنیتی» تیرماه ۱۳۷۸، ناآرامی‌های با سویه غالب «سیاسی» خردادماه ۱۳۸۸، اغتشاشات ظاهرا «معیشتی» دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان‌ماه ۱۳۹۸ و نهایتاً آشوب‌های با نقطه آغاز «فرهنگی-اجتماعی» شهریورماه ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که به‌رغم نام‌گذاری بحران‌ها با اشاره به پیشران‌های اصلی آنها، تبیین و تفسیر آنها مبتنی بر تک‌عوامل برجسته و غفلت از ماهیت چندوجهی و پیچیده چنین حوادثی، در عمل به ساده‌سازی مفرط سیاستی و فروکاستن از عمق ضروری تحلیل پدیده‌های متکثر و متنوع اجتماعی-سیاسی خواهد انجامید. نتیجه چنین تقلیل تحلیلی را می‌توان در توصیه‌های سیاستی و ساختارهای حکمرانی تقریباً تک‌ساحتی مقابله با این بحران‌ها مشاهده کرد.

در کشور ما غلبه بی‌چون و چرای رویکردهای امنیت‌زده - به‌رغم تشکیل ساختارهای بین‌بخشی نظیر شورای امنیت کشور (شاک) و نهادهای عالی فرابخشی نظیر شورای عالی امنیت ملی (شعام) - به نحو محسوسی قابل مشاهده و ملموس است. عدم انتشار گزارش‌های تحلیلی جامع از پس حوادث مذکور، مداخله حداقلی و حاشیه‌ای نهادهای غیرامنیتی در حین و پس از بحران‌ها و عدم شکل‌گیری و انتظار برای آمادگی‌های نهادی و مشارکت پیش‌دستانه و فعالانه ساختارهای غیرامنیتی در پیشگیری و کنترل بحران‌ها و ناآرامی‌ها در کشور، از جمله شواهدی است که موید غلبه رویکرد تک‌ساحتی و امنیت‌زده در همه مراحل تفسیر، تحلیل، تعلیل، پیشگیری، کنترل، مواجهه و جبران عوارض و آثار آنها در نظام حکمرانی کشور ماست.

از این رو اصلی‌ترین توصیه سیاستی این متن نهادینه‌سازی رویکرد فرا/ بین بخشی در مواجهه با بحران‌های امنیتی-اجتماعی است. لازمه این رویکرد نه تنها تشکیل دائمی شوراهایی با حضور فعال دستگاه‌ها و نهادهای رسمی و غیردولتی مرتبط است، بلکه ایجاد دپارتمان‌های مرتبط در دستگاه‌های مذکور و مسوولیت‌پذیری پیش، حین و در پس این قبیل حوادث است. تقسیم مسوولیت پیشینی، تعیین سهم و ارزیابی عملکرد پسینی و ارائه و انتشار گزارش‌هایی از نهادهای غیرامنیتی نظیر وزارت اقتصاد، وزارت فرهنگ، وزارت خارجه، سازمان تبلیغات اسلامی، دپارتمان‌های اجتماعی و سیاسی وزارت کشور و سایر نهادهایی که به‌صورت موضعی و مقطعی درگیر این بحران‌ها می‌شوند، اقل انتظار و کمترین نشانه مداخله واقعی این نهادها در مدیریت آشوب‌های چندوجهی مبتلابه جوامع مدرن است.

۲- مدیریت واحد و عبور از چالش مسوولیت‌ناپذیری و فلج سیاستی: از متداول‌ترین تبعات رویکردهای چندوجهی با مشارکت سازمان‌ها و دستگاه‌های متعدد، تشکیل شوراهای عریض و طویل با کاهش شدید قدرت تصمیم‌گیری و مسوولیت‌پذیری نهایی است. شوراهایی که در عمل راه را برای فراق‌کنی، مسوولیت‌گریزی و ظهور پدیده فلج سیاستی و بی‌تصمیمی راهبردی هموار می‌کنند. توصیه سیاستی متناظر برای عبور از دوگانه مواجهه تک‌ساحتی با بحران‌های چندوجهی در مقابل تشکیل ساختارهای غیرتصمیم‌گیر و غیرعملیاتی می‌تواند اعطای «مدیریت واحد و متمرکز» این بحران‌ها به نهاد دائمی در دولت با اعطای اقتدار مستقیم بر دپارتمان‌های متناظر دستگاه‌های مرتبط باشد؛ به‌نحوی که انتصاب و ارزیابی عملکرد مدیران این دپارتمان‌ها با نظر این نهاد مرکزی صورت پذیرد. در مقابل اما، مسوولیت نهایی پیش‌بینی، پیشگیری، مواجهه، ارزیابی‌ها و اصلاحات پسینی این حوادث با نهاد مذکور خواهد بود.

۳- چالش تعارض و فرصت‌طلبی سیاسی و ضرورت یکپارچگی حکمرانان ارشد: از جمله اصلی‌ترین مسوولیت‌های نهاد مذکور ارائه گزارش‌های به‌روز، همسان‌سازی تحلیل‌ها، تولید روایت غالب، و جلوگیری از «تشتت تحلیلی و عملیاتی» در لایه سیاستگذاران ارشد و مدیران اجرایی کشور است.

عدم دسترسی به اطلاعات متقن، لزوم اظهارنظر به‌واسطه فشار رسانه‌ها یا ظهور و بروزهای افراطی رسانه‌ای، ضرورت تصمیم‌گیری‌های متناسب در حین بروز بحران، انگیزه‌های فرصت‌طلبانه سیاسی و انتخاباتی، در کنار تعلقات احتمالی صنفی، قومی یا سیاسی از زمره دلایلی هستند که در زمان ظهور آشوب‌های امنیتی-اجتماعی موجبات ارائه تصویری متشتت، چندپاره و غیرهماهنگ از نظام سیاسی و مدیران ارشد کشور می‌شود. در مقابل اما توجیه به‌زمان، حمایت‌های لازم از لایه مدیران و سیاسیون ارشد کشور، ارائه پروتکل‌های رفتاری و رسانه‌ای ویژه ایام بحران و مقابله با فرصت‌طلبی‌های احتمالی از محوری‌ترین مسوولیت‌های نهاد مدیریت بحران‌های امنیتی-اجتماعی کشور خواهد بود.

۴- بحران‌های افکار عمومی-پایه و لزوم نمایندگی واحد حاکمیت: ظهور پدیده رسانه‌های پلتفرمی و شبکه‌های اجتماعی، در عمل مدیریت افکار عمومی را از دایره رسانه‌های حرفه‌ای خارج کرده است. با این وجود، لزوم وحدت نمایندگی و «سخن‌گویی واحد» حاکمیت در ایام بحران و اتخاذ راهبرد یکسان رسانه‌ای از ضروریات شرایط

مردمی‌سازی مقابله با بحران و تشکیل شبکه‌های اجتماعی: توجه به ماهیت اجتماعی بحران‌ها و آشوب‌های شهری، در عمل ظرفیت مقابله رسمی با آنها را به شدت محدود کرده و لزوم تشکیل شبکه‌ای از نهادهای اجتماعی و غیردولتی را به ضرورت اجتناب‌ناپذیر بدل ساخته است

آشوب‌ناک اجتماعی است. تجربه موفق ارائه جدیدترین آمار و اخبار از طریق نماینده فعال رسانه‌ای ستاد در ایام پرتنش ماه‌های ابتدایی همه‌گیری کرونا در کشور و تجربه موفق سخنگویی واحد در مناقشه برانگیزترین تصمیمات انتخاباتی شورای نگهبان، در مقابل تشنگی و سردرگمی رسانه‌ای در اغلب بحران‌های امنیتی-اجتماعی کشور و در نتیجه میدان‌داری مطلق روایت‌های رسانه‌های خارجی در بحبوحه جنگ روایت‌ها، از جمله نتایج محتوم و بارها تجربه‌شده حاصل از رفتار «سکوت حکمرانی» است.

۵- مردمی‌سازی مقابله با بحران و تشکیل شبکه‌های اجتماعی: توجه به ماهیت اجتماعی بحران‌ها و آشوب‌های شهری، در عمل ظرفیت مقابله رسمی با آنها را به شدت محدود کرده و لزوم تشکیل شبکه‌ای از نهادهای اجتماعی و غیردولتی را به ضرورت اجتناب‌ناپذیر بدل ساخته است. از طرفی هم تطور ایام و تحول سیاست‌ها، معدود نهادهای واسطه جامعه و حاکمیت را همچون هلال احمر و بسیج، عملاً به سمت بخش رسمی حاکمیت کشانده است. بنابراین در فقدان ساختار متمرکز حاکمیتی سیاستگذار و تنظیم‌گر نهادهای غیررسمی و اجتماعی-نظیر آنچه در قالب کمیسیون نهادهای داوطلبانه در بسیاری کشورها شاهدیم- بازتعریف «پویای» نقاط اتصال و -به تعبیر رهبری معظم انقلاب- «حلقه‌های میانی» جدیدی که امکان فعال‌سازی ظرفیت‌های مردمی در مقابله با بحران‌ها را داشته باشند، یکی از دستور کارهای

اصلی نهاد مرکزی مدیریت بحران‌های اجتماعی خواهد بود. هرچند در شرایط فعلی می‌توان از برخی جریان‌های دانشجویی، تشکل‌های فرهنگی، هیئات مذهبی، گروه‌های جهادی و برخی سمن‌ها به عنوان حلقه‌های مکمل تحلیلی-عملیاتی مدیریت بحران در سال‌های اخیر نام برد؛ اما ضرورت پویایی در شناخت به‌روزترین باظرفیت‌ترین و فعال‌ترین این شبکه‌ها در مقاطع زمانی مختلف و پرهیز از افتادن در دام «رسمی‌سازی نهادهای غیررسمی» کشور، عدم تحدید و انحصار این شبکه در چند مجموعه خاص و لزوم رویکردی رقابتی و عملکرد-محور را در شکل‌دهی به این شبکه ضروری می‌نمایاند. از طرف دیگر توجه به ماهیت «مناقشه‌برانگیز و سیاسی» آشوب‌های اجتماعی و احتمال تفاوت جهت‌گیری‌ها و اولویت‌های بدنه و مدیریت این نهادها با حاکمیت در مواجهه با بحران‌ها، ضرورت اقناع، مفاهمه دائم و پرهیز از رویکردهای سلسله‌مراتبی و بوروکراتیک را در کنار وجود آمادگی برای پذیرش احتمال عدم همکاری برخی از آنها در شرایط قطبی‌شده سیاسی و اجتماعی، اصول اساسی راهبرد حاکمیت در قبال این نهادها را تشکیل می‌دهند. از این رو اطلاع‌رسانی دائم، استفاده از سازوکارهای تعاملی تفاهم و اقناع‌سازی، تعریف کانال‌های ارتباطی و پروتکل‌های عملیاتی، اعطای مسوولیت، جایگاه و نقش مشخص در نظام مدیریت بحران، و سازوکار ارزیابی و سزادهی عملکرد این نهادها از جمله بخش‌های ضروری این فرآیند است.

۶- مراجع و چهره‌های اجتماعی: ظهور روزافزون فرهنگ سلبریتی و تعمیم آن به واسطه پدیده شبکه‌های اجتماعی از سلبریتی‌های سنتی شامل بازیگران، هنرمندان و ورزشکاران به دامنه وسیعی از مراجع اجتماعی نظیر «متفکران عمومی»، شرکت‌ها و چهره‌های نوآور و استارت‌آپی و سیاستمداران عوام‌گرا در کنار اختصاصات انضمامی کشور ما نظیر نقش ویژه مراجع دینی و ظهور طبقه جدیدی موسوم به «سلبریتی‌های مذهبی» شامل روحانیون تبلیغی و مداحان

مطرح و فعال در شبکه‌های اجتماعی، در عمل به شاخصه ممیزه جوامع پلتفرمی مدرن مبدل شده است. نقش‌آفرینی بی‌بدیل این مراجع نوپدید در ایجاد، دامن‌زدن، گسترش یا کنترل مقاطع بحرانی و آشوب‌ناک که همراه با اختلال در مبادی رسمی و معمولی اعمال حکمرانی است، این قبیل حوادث را به «بحران‌های سلبریتی-پایه» موسوم کرده است. خلأ سازوکارهای حرفه‌ای مهار و به‌کارگیری این قدرت نوپدید در جامعه ما در کنار ساختارهای نهادینه‌شده و جذاب ملی و بین‌المللی با رویکردهای واضح سیاسی و ایدئولوژیک، مجموعاً سلبریتی‌های سنتی را به پدیده‌ای ضدسیستم در کشور ما مبدل ساخته است.

با توجه به تلاش‌های ناموفق پیشین، بازتعریف پروتکل‌های رفتار حرفه‌ای، تشکیل نهاد تنظیم‌گر، تصویب قوانین چارچوب‌دهنده به محدوده فعالیت قانونی، میزان مجاز فعالیت‌های غیرحرفه‌ای نظیر تبلیغات تجاری و سیاسی و شفافیت جریان درآمدی نیازمند دقت نظر و تمرکز سیاستی ویژه است. به علاوه متعادل‌سازی قدرت اجتماعی سلبریتی‌های سنتی با پدیده‌های نوین نظیر متفکران عمومی یا موسسات دانش‌بنیان که از سطح بهتری از عقلانیت اجتماعی و حکمرانی‌پذیری بهره می‌برند، در کنار بازتولید و ارتقای سطح و دامنه نفوذ متنفذان اجتماعی انضمامی با جذابیت‌های فرهنگ بومی، ارزش‌های مذهبی و آرمان‌های انقلابی، ممکن است به تعادل معقول‌تری از میزان، دامنه و جهت‌گیری نفوذ مراجع اجتماعی در مدیریت بهینه بحران‌های اجتماعی بینجامد. مجموعاً تمرکز مسوولیت در یکی از ساختارهای موجود نظیر وزارت ارشاد یا اختصاص دپارتمان‌ی ویژه در نهاد متمرکز مدیریت بحران، حداقل پیش‌نیاز نهادی لازم برای اعمال حکمرانی بر این عرصه قدرت نوپدید و «حاکمیت‌گریز» به نظر می‌رسد.

۷- دیپلماسی عمومی و قدرت نرم: افول مرزهای حاکمیت ملی و کلان‌روند جهانی‌شدن در کنار اختصاصات کشور ما از قبیل وجود اپوزیسیون فعال خارج از کشور در کنار ذات ضدسلطه انقلاب اسلامی، همواره ابعاد بین‌المللی بحران‌های امنیتی-اجتماعی کشور را به‌شدت مهم و موثر کرده است. ماهیت منفعل دستگاه دیپلماسی کشور در کنار فعالیت متمرکز و گاه هماهنگ جریان‌ات متشکل و مجهز اپوزیسیونی در همراهی با سیاست خارجی کشورهای میزبان، در عمل کفه تعادل را به سود تشدید بحران‌های داخلی و نهایت استفاده از آنها توسط طرف‌های خارجی برای تبدیل به کارت‌های برنده در میزهای مذاکراتی مایل کرده است.

**بازتعریف بازوی
دیپلماسی عمومی و
قدرت نرم کشور به‌عنوان
یکی از پایه‌های کنترل و
مهار بحران‌های امنیتی-
اجتماعی، نیازمند تمرکز
سیاستی مضاعف
و نوآوری نهادی ویژه
است**

**ماهیت دفعی و غافلگیرکننده
بحران‌های اجتماعی و امنیتی،
در عمل میزان پیش‌بینی‌پذیری
و فرآیندسازی آنها را به شدت
محدود کرده است**

بازتعریف بازوی دیپلماسی عمومی و قدرت نرم کشور به‌عنوان یکی از پایه‌های کنترل و مهار بحران‌های امنیتی-اجتماعی، نیازمند تمرکز سیاستی مضاعف و نوآوری نهادی ویژه است؛ به‌نحوی که دپارتمان اختصاصی آن، به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی نهاد مدیریت بحران حضوری فعال و موثر ایفا کند. صدا البته واضح است که چنین فعلی، میزان رسمیت، پروتکل‌های دیپلماتیک و فرهنگ حاکم بردستگاه‌های فعلی دخیل در سیاست خارجی کشور اجازه فعالیت منعطف، سریع و غیررسمی را در مواجهه با بحران‌های چندلایه و پیچیده سال‌های اخیر کشور نداده است و همواره برآیند فعالیت فضای بین‌المللی، نقشی به‌شدت مشدد و ضدملی ایفا کرده است.

۸- فناوری‌های نوین ارتباطی و رسانه‌ای: در سال‌های اخیر نگاه‌های سنتی به رسانه‌های پلتفرمی نوین به مثابه بسترهای بی‌طرف و لیبرال تبادل اخبار و تضارب آرا به سرعت رنگ باخته‌اند و با توسعه ابزارهای الگوریتمی مبتنی بر هوش مصنوعی، اعمال «محدودیت‌های سایه‌ای»، برجسته‌سازی‌های مصنوعی، توسعه بات‌ها، کارزارهای «عملیات اطلاعاتی»، سازوکارهای «اخبار جعلی» و «اطلاعات نادقیق» و اعمال تحریم‌ها و سانسور یک‌طرفه تحت عنوان «قواعد شرکتی»، در عمل نه تنها موقعیت «دروازه‌بانی اینترنت» را ایفا کرده‌اند، بلکه به مهم‌ترین واسطه‌های محتوایی و تنظیم‌گران پرقدرتی بدل شده‌اند که شدیدترین اعمال سانسور و مدیریت ویرایشی را در جریان بحران‌های اخیر نظیر غائله انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا، آشوب‌های هنگ‌کینگ، جنگ اوکراین و روسیه و موارد مشابه پیاده کرده‌اند.

بی‌عملی و سکوت سیاستی در قبال نقش ویژه این بسترهای نوین بدون تدوین چارچوب حقوقی فعالیت، الزامات حکمرانی دیجیتال و رسانه‌ای ملی، تفاهات دیپلماتیک، تعریف محدوده مسوولیت پلتفرمی و تعیین پروتکل‌های ایام بحران به ناچار منجر به برخوردهای اقتضایی و حداکثری در اعمال محدودیت‌های ارتباطی دفعی و تحمیل هزینه‌های فراوان به زیرساخت ارتباطی کشور و فعالان اجتماعی و اقتصادی شده است. تصویب، ابلاغ و اعمال مجموعه «مقررات فعالیت‌های این پلتفرم‌ها در دوران بحران» و مشارکت فعال دپارتمان ویژه این حوزه در مرکز ملی فضای مجازی و یا وزارت ارتباطات در نهاد مدیریت بحران از جمله الزامات نهادی سامان‌بخشی و استفاده از ظرفیت رسانه‌های نوین در مدیریت و کنترل بحران‌های اجتماعی است.

**نهادهای مشاوره‌ای و
اندیشکده‌ای بحران
باید قابلیت واکنش
سریع، سناریوسازی
اجتماعی و همین‌طور
طراحی سیاسی
و روانی ابزارهای
سیاستی را داشته
باشند**

۹- نظام مشاوره سیاستی بحران: ماهیت دفاعی و غافلگیرکننده بحران‌های اجتماعی و امنیتی، در عمل میزان پیش‌بینی‌پذیری و فرآیندسازی آنها را به شدت محدود کرده است. علاوه بر ضعف‌های سنتی نظام دیوانی و یادناگیرندگی ساختارهای بوروکراتیک، این ساختارها به طریق اولی در کنترل بحران‌ها با ابعاد و اتفاقات پیش‌بینی نشده و غیرمنتظره ناکارآمد و زمین‌گیر خواهند بود. لزوم تشکیل و تعمیق ارتباطات شبکه‌ای با نهادهای نوآور مشاوره سیاستی با قابلیت‌های تحلیلی، طراحی و حتی عملیاتی و فعال‌سازی ظرفیت‌های آنها در قالب تشکیل «اتاق‌های مشاوره بحران» از ضروریات عمیقاً تجربه‌شده در کشورمان محسوب می‌شوند.

این ضرورت زمانی دوچندان می‌شود که بحران‌ها با ورود به فاز سیاسی و امنیتی، با طراحی‌های پیچیده داخلی و یا گاه خارجی همراه شده باشند و در عمل «ماراتنی از جنگ ایده‌ها» شکل گرفته باشد که نمونه‌ای از آن قبلاً در بسته تکنیک‌ها و ابزارهای انقلاب‌های مخملی رونمایی شده بود. در چنین مواردی، کنترل بحران بدون تجهیز به ماشین تحلیل و تولید توصیه‌ها و ابزارهای سیاستی، محتوم به شکست یا پرداخت هزینه‌های فراوان خواهد بود. نهادهای مشاوره‌ای و اندیشکده‌ای بحران باید قابلیت واکنش سریع، سناریوسازی اجتماعی و همین‌طور طراحی سیاسی و روانی ابزارهای سیاستی را داشته باشند و الزاماً از فرآیندهای سنتی نهادهای پژوهشی و اندیشکده‌ای تبعیت نکنند.

به اختصار، نوشتار حاضر درصدد فتح بابی برای گفت‌وگو پیرامون الزامات نهادی «حکمرانی بحران‌های امنیتی-اجتماعی» بوده است. بحران‌هایی که به تواتر در سال‌های اخیر در اغلب کشورها خود را به‌عنوان بخشی از واقعیت‌های اداره جوامع مدرن تثبیت کرده‌اند. عدم تدارک نهادی برای کنترل آنها و اکتفا به رویکرد «تک‌حادثه‌ای» و طبیعی شمردن اصل غافلگیری در آنها، عملاً به نوعی «تغافل متعمدانه» شبیه خواهد بود که لاجرم به تحمیل هزینه‌های گزاف و تعویق و تعلیق روند معمول حکمرانی و اداره کشور می‌انجامد. لزوم عبور از غلبه نگاه تک‌ساحتی و امنیت‌زده و توسعه ساختار دائمی حکمرانی ویژه مدیریت این بحران‌ها با دایره شمولی اقل‌متناسب با ضروریات چندگانه ذکرشده در این یادداشت پیکربندی اصلی توصیه سیاستی این نوشتار را تشکیل می‌دهند. مجموعاً این نوشتار به مثابه یک پیش‌درآمد سیاستی می‌تواند به تعریف کار ویژه‌ای برای مطالعات آینده اندیشکده حکمرانی شریف و سایر نهادهای سیاست‌پژوهی و مشاوره سیاستی کشور مبدل شود.





یازدهمین شماره فصلنامه «تنظیم گفتار» منتشر شد!

شماره ۱۱ فصلنامه تنظیم گفتار با عنوان «ظرفیت تنظیم‌گری و بحران اعتراضات ۱۴۰۱» به موضوع تنظیم‌گری اعتراضات پرداخته و تلاش کرده است تا ضمن واکاوی دقیق چگونگی تنظیم‌گری در شرایط بحران، پیشنهادهایی حول این موضوع تدوین و ارائه نماید.

در این شماره می‌خوانید:

- الزامات حکمرانی بحران‌های اجتماعی
 - تجمع اعتراضی بر مدار تنظیم
 - تنظیم‌گری، امر سیاسی یا تکنوکراسی؛ از ترامپ تا اینترنشنال
 - بحران ۱۴۰۱ در فضای مجازی؛ جرایم سلبریتی محور یا ضعف حکمرانی؟
 - خلاصه سیاستی تنظیم‌گری اعتراض
 - گزارش نشست‌های تنظیم‌گری اعتراض
 - و....
- لینک دریافت فایل نشریه:

<https://b2n.ir/m95975>





اندیشکده حکمرانی شریف

اندیشکده حکمرانی شریف

www.gptt.ir

